

رئیس جمهور فرمایش آقا درباره عدم مذاکره با آمریکا را پیش برد



هفته‌نامه | سیاسی، فرهنگی و اجتماعی | سال بیست و سوم | شماره ۱۱۷۷ | دوشنبه ۲۲ بهمن ۱۴۰۳ | ۱۱ شعبان ۱۴۴۶ | ۱۰ فوریه ۲۰۲۵ | ۱۶ صفحه

موجود
پرونده
جایگاه انقلاب اسلامی در مسیر ظهور

قاسم غفوری
بازی جوانی!

۳
دیدگاه

مهدی سعیدی
صدای واحد حاکمیت

۲
نگاه

علی حیدری
ایران قوی است
سرمقاله

واکاوی صریح و شفاف صبح صادق

از چرایی عاقلانه، هوشمندانه و شرافتمندانه نبودن مذاکره با آمریکا

دلیل؟ تجربه

عزیز غضنفری

عضو شورای سیاست‌گذاری صبح صادق



نشریه هفته‌نامه «صبح صادق» معاونت سیاسی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تصمیم دارد مسئله بحث برانگیز مذاکره با آمریکا را به صورت صریح و شفاف و با در نظر گرفتن تجربه تاریخی و منافع ملی با افکار عمومی در میان بگذارد.

آقای روحانی در اردیبهشت ۱۳۹۲ (یک ماه مانده تا انتخابات ریاست جمهوری) در جمع دانشجویان صنعتی شریف گفتند: «اروپایی‌ها آقا اجازه هستند و آمریکا کدخداست؛ بستن با کدخدا راحت‌تر است.» او سپس پیروز انتخابات ریاست جمهوری همان سال می‌شود و درخواست آنان برای مذاکره مستقیم با آمریکا مورد موافقت قرار می‌گیرد. رهبر معظم انقلاب اسلامی در تاریخ ۱۲ آبان ۱۳۹۲ فرمودند: «مذاکره در موضوعات خاص اشکالی ندارد؛ منتها گفتم من اعتماد ندارم، خوشبین نیستم به مذاکره، لکن می‌خواهند مذاکره کنند، بکنند؛ ما هم به اذن‌الله ضرری نمی‌کنیم. یک تجربه‌ای در اختیار ملت ایران است که این تجربه ظرفیت فکری ملت ما را بالا خواهد برد.»

مذاکرات میان دولت ایران و آمریکا در نهایت در سال ۱۳۹۴ به توافق هسته‌ای منجر شد. در آن توافق، جمهوری اسلامی ایران برای آنکه حسن نیت خود را نشان دهد و البته برای ثبت در تاریخ به همه تعهدات مشخص شده در توافق عمل کرد؛ اما طرف غربی و خاصه آمریکایی‌ها هیچ‌گاه به تعهدات خودشان مگر در موارد اندکی عمل نکردند. آمریکایی‌ها در ازای آن همه اقدامات سازنده ایران در اجرای تعهدات برجامی، به وظایف خود پایبند نبودند و رئیس کل وقت بانک مرکزی در این زمینه عسارت معروف و ماندگار «تقریباً هیچ» را به کار برد. دولت وقت به دلیل اینکه ثابت کند در اراده و حسن نیت خود برای همکاری با غرب جدی است، در بخش هسته‌ای خود اقدامات اعتمادسازی انجام داد که اصولاً در برجام جزء تعهدات ایران ذکر نشده بود!

این یک ایراد اساسی است که برخی انسان‌ها و گروه‌های سیاسی از گذشته، آن هم نه گذشته خیلی دور، عبرت‌نیاموزند و باز برای تبلیغات سیاسی، بر تکرار راه پرخطای پیشین اصرار ورزند. یکی از ضعف‌های اساسی برجام آن‌جایی بود که ترامپ مانند آب خوردن از آن خارج شد، بی‌آنکه احساس کند مانعی بر سر راه او وجود دارد یا دست‌کم محاسبه کند که خروج از توافق هسته‌ای برای او همراه با ریسک خواهد بود. تیم رادیکال آمریکا از یک منظر دیگر نیز خیال‌شان آسوده بود که خروج از برجام برای آنها همراه با دردسر از سوی ایران نخواهد بود. چون چند روز پیش از اینکه ترامپ از برجام خارج شود، از دولت وقت به مکرون اطلاع داده شده بود که اگر آمریکا از توافق هسته‌ای خارج شود، دولت ایران در برجام باقی می‌ماند. همان نظری که دقیقی پس از اقدام ترامپ، آقای روحانی بیان کرد: «خوشحالم که یک موجود مزاحم از برجام خارج شده است.» روزنامه «ایران» نیز درست در فردای خروج آمریکا از توافق هسته‌ای در روز ۱۹ اردیبهشت ۱۳۹۷ با تیتر بزرگ نوشت: «برجام بدون مزاحم.» اینکه «کدخدای نجات‌بخش سال ۱۳۹۲» به «موجود مزاحم سال ۱۳۹۷» تبدیل شود، خود یکی از بزرگ‌ترین تجربیات تلخ آن زمانه، برای امروز کشور به شمار می‌آید.

درباره مذاکره با آمریکا که امروز برخی آن را تکرار می‌کنند، مگر آقای روحانی، آمریکا را کدخدا ندانست و دولت‌ش با محوریت آقای ظریف با آمریکایی‌ها مذاکره مستقیم نکرد و وزرای خارجه دو کشور با یکدیگر پیاده‌روی نکردند و آقای ظریف امضای جان‌کوری را تضمین توافق اعلام نکرد؛ پس چرا دولت آمریکا این همه همراهی و حسن نیت را ندید و در سال ۱۳۹۷ از برجام خارج شد و سیاست فشار حداکثری را با ایران در پیش گرفت؟ با این حال ایران به توافق هسته‌ای حتی تا یک سال پس از خروج آمریکا کاملاً پایبند بود، اما طرف غربی به این اقدام اعتمادساز نیز وقعی ننهاد. حتماً باید امنیت و عزت ملی را با پذیرش برجام موشکی ذبح می‌کردیم تا راه حمله نظامی به مردم عزیز ایران هموار می‌شد؟

نتیجه تمرکز بر ایده مذاکره با غرب برای حل مسائل اقتصادی و برطرف کردن تحریم‌ها به دردناک‌ترین اتفاقات منجر شد. «جان بولتون» در کتاب خاطرات خود به نام «اتاقی که در آن اتفاق افتاد»، نوشته است: «ما (آمریکایی‌ها) تصمیم گرفتیم پس از خروج از برجام و اعمال تحریم‌های

نفی، چنانچه ایران مبادرت به فروش نفت در آب‌های بین‌المللی کند، به نفت‌کش‌های ایرانی حمله نظامی کنیم.» در پی آن آمریکایی‌ها و احتمالاً با همدستی صهیونیست‌ها بعد از ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۷ و در دولت اصلاحات و اعتدال ۱۴ نفت‌کش متعلق به ایران را در آب‌های مدیترانه و دریای سرخ مورد اصابت حملات موشکی و... خود قرار دادند! اقداماتی که سبب شد صادرات نفت ایران به کمترین میزان در طول تاریخ صنعت نفت برسد. در اینجا اگر راه‌برد و اقدامات فاطمانه و تاریخی نیروهای مسلح در زمینه اقدامات متقابل و موازنه‌سازی به اجرا در نمی‌آمد، تن رنجور اقتصاد ایران به نقطه مخاطره‌آمیز نزدیک می‌شد. «سردار سلامی» به تازگی به صراحت و ظرافت شرح کلی آن دوره را بیان کردند: «در آن ایام، ایران اسلامی به قدرتی دست یافت که ره‌کس از ما کشتی ربود، ما هم از او کشتی گرفتیم و هر کس کشتی ما را زد، ما هم کشتی او را زدیم تا امروز خطوط کشتیرانی ما از هر قدرتی در عالم امن‌تر باشد.»

آمد و شد دولت‌ها در جمهوری اسلامی و مواضع آنان نسبت به موضوع تحریم‌ها و مذاکره و به ویژه مسئله هسته‌ای، هرگز نباید این واقعیت و محاسبه اساسی را در ذهن مسئولان کشور دست‌خوش تغییر قرار دهد؛ اگر سیاستمدار ایرانی به برجام به مثابه ابزاری برای گشودن گره‌های تحریم می‌نگرد، اما از منظر یک سیاستمدار آمریکایی برجام وضع شده است تا علاوه بر کنترل ایران اتمی، راهی برای مهار ایران در سایر مؤلفه‌های قدرت ملی (مانند موشکی و منطقه‌ای) بیابد و در نهایت ظرفیت‌های استراتژیک ملی تخلیه گردد. دلیل اصلی خروج ترامپ از توافق هسته‌ای نیز آن بود که ایران در مقابل سیاست فشار حداکثری ترامپ ایستاد و با خواسته‌های خلاف منافع ملی رئیس جمهور آمریکا مبنی بر پذیرش برجام‌های موشکی و منطقه‌ای مخالفت کرد. البته تحقق «برجام پلاس» هدف حداقلی ترامپ و تیم همراه او بود. مطلوب آنها همان بود که جان بولتون مشاور امنیت ملی ترامپ در سال ۱۳۹۷ گفت. وی در اجتماع منافقین در پاریس اعلام کرد که انقلاب اسلامی ایران نباید به جشن چهل سالگی اش برسد! حالاً نیز در یادداشت اجرایی که اخیراً ترامپ علیه ایران امضا کرده است، آمده «باید با توسعه موشکی و همچنین سایر تسلیحات و توانمندی‌های نامتعارف و متعارف مقابله کرد». این یعنی ترامپ و تیم جدید در آمریکا عزم خود را حتی برای مقابله با توانمندی‌های حتی متعارف نظامی جمهوری اسلامی ایران جزم کرده اند و یقیناً در مذاکره‌ای که نفی شد، تصمیم داشتند

آن را به عنوان مطالبه و بخش مهمی از خواسته‌های خود بر روی میز مذاکره بگذارند. در حقیقت ترامپ سودای خلع سلاح جمهوری اسلامی را در سر می‌پروراند تا در پی آن ملت ایران بی دفاع شده و امکان حمله نظامی به ملت و خاک ایران فراهم گردد. باید در نظر داشته باشیم که خلع سلاح ملت ایران چه در دوره قبلی ریاست جمهوری ترامپ و چه در دوره کنونی به عنوان یک اولویت قطعی از سوی او و تیم جنگ طلبش در حال پیگیری است. آیا مردم ایران به مسئولان کشور اجازه می‌دهند که بر روی توانمندی‌های نظامی متعارف خود مذاکره انجام دهند و آن را وجه المصلحه هر گونه توافقی قرار دهند؟ قطعاً ملت ایران اجازه نخواهند داد.

حالا یک تجربه مهم که هزینه‌های سنگین بابت آن پرداخت شده است، پیش روی «دکتر پزشکیان» و کارگزاران نظام قرار دارد؛ ابعاد سیاست فشار حداکثری ترامپ در دولت و دوره روحانی و ظریف آنقدر گسترده و چندلایه بود که تاریخ تحریم‌ها، چنین دشمنی‌های ظالمانه را به خود ندیده است؛ به‌گونه‌ای که اکنون سازکارهای برطرف کردن آن تحریم‌ها از دشوارترین امور است. عجیب‌تر آنکه همه این اقدامات ضد ایرانی در دولتی رخ داد که ایده مرکزی آن حل ماجرای تحریم‌ها از طریق مذاکره بود! توصیف معجزه‌های مذاکره از سوی برخی رسانه‌ها و نیروهای سیاسی در حالی است که آمریکایی‌ها در ازای آن همه اقدامات سازنده ایران در اجرای تعهدات برجامی، به وظایف خود پایبند نبودند و همان‌گونه که پیشتر بیان شد، رئیس کل وقت بانک مرکزی در این زمینه عبارت معروف و تاریخی «تقریباً هیچ» را به کار برد. در اینجا فقط یک «امید» وجود دارد و آن، اینکه دکتر پزشکیان و سایر مسئولان کشور از تاریخ و آنچه بر ملت ایران گذشت، «عبرت» بگیرند و با «تنوع‌سازی» و «توازن‌گرایی» در سیاست خارجی و اتحاد و انسجام ملی مسیر تحقق منافع ملی و حل مسائل کشور را به پیش ببرند. از این منظر دیدگاه‌های صریح و برخی اقدامات سازنده و مثبت دکتر پزشکیان در ماه‌های اخیر درباره سیاست دولتش نسبت به همسایگان و خاصه اعراب و نیز روسیه و چین تحسین‌برانگیز و امیدآفرین است و امید می‌رود این سیاست‌ها از مرحله اعلام به اعمال منتقل شود. این دقیقاً همان نقطه قوت دولت به شمار می‌آید که روز ۱۹ بهمن ماه ۱۴۰۳ رهبر معظم انقلاب اسلامی بر اساس آن فرمودند مسئولان بحمدالله مشغول کارند و بسیار امیدواریم که همین دولت محترم بتواند مشکلات معیشتی مردم را کمتر و سختی‌ها را برطرف کند.

نیم نگاه

توهم ترامپ در غزه

اکبر معصومی

کارشناس بین‌الملل

بر اساس برخی از گزاره‌ها، آمریکا در ماه‌های پیش از عملیات «طوفان الاقصی»، سیاست «کوچ اجباری» مردم غزه را در سر می‌پروراند و همراه با رژیم صهیونی تلاش‌هایی را در دستور کار خود قرار داده بود؛ اما در این میان، عملیات طوفان الاقصی راهبرد عبری-غربی را با چالش اساسی رویه‌ور کرد و مسئله فلسطین و ایجاد دولت فلسطین را به منزله اولویت نخست جامعه بین‌المللی مطرح کرد. حال پس از ۱۵ ماه جنایت، دوباره ترامپ ایده «کوچاندن اجباری» مردم غزه به برخی از کشورهای عربی را مطرح کرده است.

اما طرح ترامپ در کوچ اجباری مردم غزه آقدر غیر قابل قبول بود که نه تنها کشورهای منطقه، بلکه بسیاری از کشورهای غربی نیز با آن مخالفت کردند. واکنش‌ها به اظهارات ترامپ نشان می‌دهد، این موضوع بیش از آنکه یک «راه‌حل» باشد، یک «توهم» غیر قابل اجرامست. اتحادیه اروپا در واکنش به طرح کوچ اجباری مردم غزه به کشورهای همسایه فلسطین در بیانه‌ای نوشت: «غزه بخش جدایی‌ناپذیر از کشور آینده فلسطین است.»

این ایده حتی در داخل آمریکا هم خیلی طرفدار ندارد؛ «لیندسی گراهام» سناتور جمهوری خواه و از حامیان سرسخت رژیم صهیونی، این موضوع را غیر عملی نامیده است و بسیاری از جمهوری‌خواهان نیز این طرح را چیزی جز یک نمایش تبلیغاتی برای جلب رضایت راست‌گرایان افراطی نمی‌دانند.

«پروفیسور ایوان گلبوع» اعلام کرد: «این موضوع با فرهنگ دینی و سیاسی حاکم در غزه همخوانی ندارد. تا زمانی که افراد حاضر به فدا کردن جان خود برای ایدئولوژی باشند، این تصور که آنها به دنبال زندگی بهتر خارج از غزه خواهند بود، غیر قابل تحقق است.» «پادشاه اردن نیز یاد ایده کوچاندن ملت فلسطین، اعلام کرد: «این راهکار باید منجر به تشکیل کشور مستقل فلسطین بر اساس مرزهای ۱۹۶۷ در پایتختی قدس شود.» عربستان سعودی نیز موافقت با آن را به معنای دیده شدن این کشور به عنوان خانن در جهان عرب دانست. دولت چین ضمن اعلام مخالفت خود با طرح ترامپ برای تصرف نوار غزه و آواره کردن فلسطینی‌ها به کشورهای دیگر، بر اهمیت اداره فلسطین به دست خود فلسطینیان تأکید کرد. «هاکان فییدان» وزیر امور خارجه ترکیه هم در مصاحبه با خبرگزاری «آنا تولی» اعلام کرد: «با هرگونه طرحی که هدف آن حذف مردم غزه از معادله باشد، مخالف هستیم.» علاوه بر این مخالفت‌های صریح طبق کنوانسیون چهارم ژنو، ماده ۴۹، بند ۱؛ «اخراج دسته‌جمعی یا انفرادی از سرزمین‌های اشغالی به سرزمین قدرت اشغال‌گر یا کشور دیگر، ممنوع است.» بر این اساس، اخراج اجباری غیرنظامیان یک جنایت جنگی به شمار می‌آید.

در پایان باید گفت، طرح ترامپ اعترافی آشکار به شکست رژیم صهیونی در غزه است. در طول ۱۵ ماه گذشته، رژیم صهیونی تلاش کرد با کمک سلاح‌های آمریکایی مردم را به ترک غزه وادار کند. جنایت رژیم صهیونی در غزه به اندازه‌ای وحشیانه بود که در اتاق فکرهای آمریکایی و صهیونی تصور می‌شود که مردم فلسطین برای همیشه غزه را ترک کنند؛ اما این موضوع نه تنها اتفاق نیفتاد، بلکه مردم با ایستادگی خود، امیدها در ایجاد کشور فلسطین را زنده کردند. مقاومت مردم غزه نشان داد ایده ترامپ سرابی بیش نبوده است و امکان تحقق آن تقریباً «غیر ممکن» است.



علی حدیری

سردبیر



«جان بولتون» از چهره‌های تندروی جمهوری‌خواه که در دور قبل ریاست جمهوری ترامپ، مشاور امنیت ملی کاخ سفید بود، در نشست گروهک تروریستی منافقین در پاریس از لفاظی‌های خصمانه دولت و رئیس‌جمهور وقت آمریکا علیه کشورمان استقبال کرد و گفت: «انقلاب ایران نباید به چهل سالگی‌اش برسد!» او مدعی شد، نتیجه تصمیم دولت ترامپ برای بازبینی سیاست‌هایش در قبال ایران باید تشخیص این باشد که انقلاب سال ۱۹۷۹ آیت‌الله خمینی تا جشن چهل سالگی‌اش دوام نخواهد آورد!

اگرچه همان موقع هم این حرف‌ها برای خوشامد منافقین و در قبال پول‌های هنگفتی ایراد می‌شد که به وی و دیگر مهمانان برای حضور

صدای واحد حاکمیت



مهدی سعیدی

جریان شناس سیاسی

تکاپو به برگزاری یک نشست نمایشی تقلیل نیابد.

۳- نکته قابل ملاحظه دیگر برای همدلی و وفاق مسئولان کشور، توجه به محوریت این انسجام است. وحدت باید حول اصول اساسی شکل‌دهنده نظام اسلامی باشد. در این میان، توجه به ارزش‌های انقلاب اسلامی، قانون اساسی، خدمت به مردم، کار و تلاش مستمر و بی‌وقفه مباحث اساسی کار است. این همه با پیروی و تبعیت از ستون خیمه انقلاب که جایگاه رهبری باشد، معنا می‌یابد. به واقع، صدای واحد باید حول رهبری و زعامت رهبر حکیم انقلاب اسلامی باشد. همان که آقای پزشکیان و دیگر سران قوا بارها بر محوریت ایشان در حکمرانی و تبعیت از ایشان تأکید کرده‌اند. برای نمونه پس از اعلام نظر نهایی رهبری در مورد مذاکره با آمریکا و تأکید بر این حقیقت که مذاکره با آمریکا در وضعیت موجود عاقلانه، هوشمندانه و شرافتمندانه نیست، انتظار آن است که صدای واحدی از کل حاکمیت شنیده شود و یک کلام در مسیر ایستادگی در برابر دشمن قدم برداشته شود تا شاهد تحقق عملی و عین وفاق در حاکمیت باشیم.

۴- وفاق و همدلی مسئولان در حالی که کشور در وضعیت خاص بین‌المللی قرار گرفته است، بیش از پیش نیاز و اولویت کشور است. رهبر حکیم انقلاب اسلامی در آخرین دیدارشان در جمع فرماندهان نیروی هوایی ارتش از وجود مشکلات کشور بالاخص در حوزه معیشت مردم سخن گفتند و فرمودند: «آن چیزی که این مشکلات را برطرف می‌کند، عامل داخلی است. عامل داخلی عبارت است از همت مسئولان متعهد و همراهی ملت متحد. یعنی همین چیزی که در راه‌پیمایی ان‌شاء‌الله ملاحظه خواهید کرد: اتحاد مردم. راه‌پیمایی بیست‌ودوم بهمن، هر سال، مظهر اتحاد ملی در کشور ماست. ملت بصیر و مسئولان خستگی‌ناپذیر؛ این [اعمال] است که مشکلات ما را برطرف می‌کند.»

بدون شسک، وحدت و همدلی مردم آنگاه تحکیم خواهد شد که آنها شاهد وفاق و همدلی در میان کارگزاران نظام و صدای واحدی باشند که از حاکمیت بیرون می‌آیند. این همدلی می‌تواند خود یکی از مهم‌ترین ابزارهای ایستادگی در برابر دشمنی باشد که این روزها در حال جنگ و پنجه نشان دادن به ملت غیور ایران است تا آنها را وادار به تسلیم و کرنش در برابر زیاده‌خواهی‌های خود کند، غافل از آنکه ملت ایران با همدلی و اتحاد خود بیش از ۴۶ سال است که نقشه‌های کاغذی دشمن را یکی پس از دیگری نقش بر آب کرده است.

ایران قوی است

واقعیت این است که تصویرسازی از ایران به منزله کشوری ضعیف به بهانه برخی تحولات در منطقه یک عملیات پیچیده شناختی است که می‌خواهد با محدودسازی ایران در عرصه‌های گوناگون فشارهای سیاسی و اقتصادی را چاشنی جنگ روانی و رسانه‌ای کرده و اهداف شوم خود را دنبال کنند. دشمن می‌خواهد با القای ایران ضعیف ملت‌های منطقه و محور مقاومت را نیز نسبت به جایگاه جمهوری اسلامی ایران به عنوان حامی و پشتیبان جبهه مقاومت تضعیف کند و جلوی ایستادگی آنها را در برابر استکبار و رژیم صهیونی بگیرد.

با توجه به شاهد مثالی که در سطور آغازین به آن اشاره شد، این سناریوی دشمن در برابر ایران و ملت بزرگ ایران، نه تنها نازگی ندارد؛ بلکه در نظر مردم و مسئولان پروژه‌ای نخنما شده است. در نخستین روزها و ماه‌های پیروزی انقلاب اسلامی، دشمنان ایران که منافع و موقعیت ویژه خود را در کشورمان از دست داده بودند، با القای اینکه ایران ضعیف شده و توان دفاع از استقلال و تمامیت ارضی خود

محمد پناهی

کارشناس سیاسی

خط اصیل انقلاب اسلامی، خطی است که توانان در برابر متحجران و دگراندیشان شکل گرفته است! خطی که نه‌آقدر تجدیدنظر طلب است که اصول را نیز دستخوش دگرپرسی و استحاله قرار دهد و نه آقدر ایستا و متصلب است که به پرسش‌های جدید جامعه پاسخ‌های کهنه و غیرقابل پذیرش ارائه دهد. حضرت امام(ره) منادی رهایی از این دو مسیر انحرافی بودند و از اسلام ناب محمدی(ص) سخن گفتند که در برابر اسلامی آمریکایی قدم برافراشته بود که به فرموده رهبر حکیم انقلاب اسلامی خود از دو شاخه شکل گرفته بود: «یک شاخه اسلام متحجر، یک شاخه اسلام سکولار؛ این اسلام آمریکایی است. استکیار و قدرت‌های مادی از هر دو شاخه پشتیبانی کرده‌اند و می‌کنند؛ یک جاهایی آنها را به وجود می‌آورند، یک جاهایی آنها را اهنمایی می‌کنند، یک جاهایی آنها را کمک می‌کنند؛ اسلام ناب در مقابل آنهاست.»

رئیس دستگاه قضا در سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی فرصت را مغتنم دیده و در مراسمی که در حرم حضرت امام(ره) برگزار شد، به حرکت حضرت امام(ره) در تقابل با این انحرافات اشاره کردند و در بخشی از کلام خود فرمودند: «امام به متحجرین «نه» گفت؛ آنها هم بساط خودشان را کم کم جمع کردند» و در ادامه خطاب به مخاطبان فرمودند: «اجازه ندهیم که خناسان و منافقان به صفوف ما رخنه کنند؛ حتی با شعارهای انقلابی!»

این یادآوری در روزگاری ارزشمند است که باز هم سر و کله برخی از جریان‌های متحجر انحرافی پیدا شده و تلاش دارد با شعارهای انحرافی جامعه اسلامی را تضعیف کند. مجموعه‌هایی منسجم که در تقسیم کارهای نوشته یا نانوشته، در تلاش برای التهاب‌آفرینی در کشورند! در میان جمع آنان، برخی از صداهای البته از گلوئی افرادی شنیده می‌شود که چندان به ابعاد کار خویش آگاه نیستند و بیشتر به بازیچه‌ای بدل شده‌اند که برای تحقق برنامه دیگران به خدمت گرفته شده‌اند؛ اما پشت پرده آنها دست‌هایی است که جامعه امروز ایران را متفرق و مشتت می‌خواهد و در این مسیر تلاش می‌کند.

کار اینان قطبی‌سازی و ایجاد دوگانه در جامعه با بالا بردن شعارهای به ظاهر انقلابی

را ندارد، رژیم بعث عراق را به لشکر کشی به ایران تشویق کردند و حمایت‌های همه‌جانبه از عراق هم انجام دادند؛ اما ملت بزرگ ایران و نیروهای مسلح با هدایت امام خمینی(ره) در برابر این تجاوز ایستاد و دشمن را به قبول شکست مجبور کرد. در رهگذر تجربه دفاع هشت ساله، ایران اسلامی روز به روز قوی‌تر و مقتدرتر شد.

رهبر معظم انقلاب چندی پیش در جمع فعالان اقتصادی فرمودند: «آن متوهم خیالی‌باف اعلام کرد که ایران ضعیف شده: آینده نشان خواهد داد که چه کسی ضعیف شده است.» در کنار تقویت قدرت ایران در ابعاد گوناگون، یکی از صحنه‌ها و عرصه‌های مهم نمایش ایران قوی، راهپیمایی ۲۲ بهمن است که به فرموده امام‌خامنه‌ای «مظهر اتحاد ملی» است و امسال با توجه به تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی و جنگ شناختی پیچیده‌ای که دشمنان علیه جمهوری اسلامی طراحی کرده‌اند، جهانیان یک بار دیگر حضور بی‌نظیری از ملت را در این روز تاریخی شاهد خواهند بود که رؤیای آنها را در برهه تضعیف ایران آشفته خواهد کرد.

عقلانیت برابر افراطی‌گری

است! غافل از آنکه تندروی‌ها و رادیکالیسم جز ایجاد فرصت برای بهره‌برداری جریان تجدیدنظر طلب سکولار و غرب‌گرایان غیر انقلابی، آورده‌ای برای انقلاب اسلامی به همراه نخواهد داشت.

این تفکر، جریان آرمان‌گرای واقع‌بین را که رهبر حکیم انقلاب اسلامی ایشان را انقلابی واقعی می‌نامند، مورد هجمه قرار داده و به مرعوب شدن و انفعال متهم می‌کند. این افراد روزگاری حتی حاج قاسم شهید را نیز تاب نیاورده و وی را در زمان حیات مبارکشسان مورد هجمه قرار می‌دادند. اینها همان‌هایی هستند که به نام انقلابی‌گری وارد سفارت عربستان شدند و هزینه‌های فراوانی برای کشور به بار آوردند و حتی بعد از آنکه رهبری بر نادرستی این کار سخن گفتند نیز چندان حاضر به عذرخواهی و تجدیدنظر در رفتار نشدند!

اینان عقلانیت انقلابی را محافظه‌کاری و عاقبت‌طلبی تعریف می‌کنند و جوانان انقلابی را مورد هجمه قرار می‌دهند و در این مسیر از تخریب و توهین و سیاه‌نمایی و حتی پرونده‌سازی ایایی ندارند و خود را به رعایت تقوا ملزم نمی‌دانند!

این جریان مسئولان کشور را مورد اتهام قرار داده و هر روز بر شکاف میان ملت و دولت می‌دمند! آنان مدت‌ها حتی فرماندهان دلاور نیروهای مسلح را به مامشات در مقابله با دشمن متهم کردند؛ در حالی که رهبر حکیم انقلاب اسامی با صراحت فرموده بودند: «ما در انجام این وظیفه، نه تعلل می‌کنیم، نه شتاب‌زده می‌شویم؛ تعلل نمی‌کنیم، کوتاهی نمی‌کنیم، دچار شتاب‌زدگی نمی‌شویم. آنچه منطقی است، آنچه معقول است، آنچه درست است، به نظر تصمیم‌گیران نظامی و سیاسی، در وقت خود، در هنگام خود انجام می‌گیرد؛ کما اینکه انجام گرفت.»

این افراد گاه خود را مدافع انقلاب و فدای رهبری معرفی می‌کنند، اما خیلی زود رهنمودهای فوق را کنار زدند و مجدداً حملات خود را علیه مسئولان لشکری و کشوری آغاز کردند.

امروز به گفته رئیس محترم دستگاه قضا باید در برابر اقدامات واگر ایانه این افراد که حاصلی جز تش و درگیری و افتراق ندارد، هوشمند بود و در چهل‌وششمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی بر عقلانیت انقلابی مورد تأکید حضرت روح‌الله(ره) و امام‌خامنه‌ای تأکید کرد که با مدار «عزت»، «حکمت» و «مصلحت» بنا نهاده شده است.

در روز چهارشنبه، ۱۷ بهمن ماه ۱۴۰۳ در یک جلسه ۹ ساعته نفس گیر و با حواشی بسیار بالا یکی از بزرگترین تحولات صنعت خودروی کشور اتفاق افتاد. در این روز سهام دولتی ایران خودرو به بخش خصوصی (کروز) واگذار شد و از پنج شرکت که جزء صاحبان ایران خودرو شدند، سه شرکت برای شرکت کروز است. این واگذاری که بزرگترین خصوصی سازی خودرو سازی ایران شناخته می شود، به تغییرات مدیریتی مهمی منجر شد و در نتیجه، «عادل پیرمحمدی» به سمت مدیر عامل جدید ایران خودرو منصوب شد. این اقدام واکنش های گوناگون نمایندگان مجلس و موافقان خصوصی سازی را در پی داشت. حتی مدیرعامل قبلی ایران خودرو «علیمردان عظیمی» بر اساس ابلاغیه معاون دادستانی کل کشور از برگزاری مجمع عمومی امتناع کرد؛ اما سهامداران وابسته به کروز در اقدامی عجیب به صورت یکجانبه و بدون حضور نمایندگان بخش دولتی هیئت مدیره ایران خودرو به برگزاری مجمع اقدام کردند.

پس از این تغییر مدیریتی، سهامداران جدید برنامه هایی را برای توسعه ایران خودرو ارائه

به همین راحتی!!!

کردند که شامل:

- افزایش تولید و تنوع بخشی به سبد محصولات؛
- تولید خودروهای ایمن، کم مصرف و با کیفیت مطابق با استانداردهای جهانی؛
- گسترش تحقیق و توسعه (R&D) و جذب نیروهای متخصص؛
- تقویت شبکه فروش و خدمات پس از فروش؛
- افزایش تعامل با قطعه سازان داخلی برای کاهش وابستگی به واردات؛
- فروش دارایی های مازاد و استفاده بهینه از سرمایه های شرکت.

اگرچه شرکت کروز در سال ۱۳۶۱ تأسیس شده و بزرگترین تأمین کننده قطعات خودرو در ایران است؛ ولی شرکت های قطعه سازی مستقل و کوچک، بارها از انحصار طلبی مجموعه کروز نسبت به رقبا شکایت داشته اند. بسیاری از کارشناسان صنعت خودرو معتقدند، شرایط رقابت سالم با کروز فراهم نیست و این شرکت از روابط غیر شفاف برای انعقاد قرارداد با خودروسازان استفاده می کند. تعدد پرونده قضایی مفتوح و محکوم شده در رابطه با قاچاق حرفه ای و سازمان یافته قطعات خودرو، اخلاق در توزیع مایحتاج عمومی از طریق گران فروشی

امیر قطر به سوریه به عنوان اولین مقام خارجی پس از اعلام ریاست جمهوری موقت جولانی گواهی بر این امر است. قطر تلاش دارد نقش مهمی در ساختار سیاسی و اقتصادی سوریه ایفا کند که از ابعاد آن را نیز انتقال گاز قطر از خاک سوریه به سایر کشورهاست.

۳- نگاه به پدرخوانده: قرار گرفتن آنکارا به عنوان یکی از نخستین سفرهای جولانی دور از انتظار نبوده است. تقویت حضور نظامی و اقتصادی ترکیه در سوریه و نیز مقابله واحد با پ.ک.ک و نیروهای کرد تحت حمایت آمریکا از ابعاد اهداف مشترک و انحصاری دو طرف است؛ در حالی که بازگشت آوارگان سوری نیز اصلی مهم برای اهداف داخلی اردوغان است.

چالش های پیش رو

هر چند جولانی این روزها تلاش دارد یک دیپلماسی موفق و کارآمد از خود به نمایش گذارد؛ اما حقیقت آن است که پایدارسازی این وضعیت امری بسیار دشوار و دور از دسترس خواهد بود چرا که:

- قطر و ترکیه بر گسترش تفکر اخوانی و اسلام سیاسی مورد نظر خود در منطقه اصرار دارند؛ حال آنکه عربستان به شدت آن را تهدید می داند.
- قطر، عربستان و امارات هر یک اهداف انحصاری در اتحادیه عرب و جهان عرب دارند که در نتیجه سوریه به میدان مناقشه آنها مبدل می شود.
- تضاد منافع میان قطر، عربستان و ترکیه به شدت زیاد است؛ چنانکه خواست ترکیه برای حضور نظامی و حتی تسلط بر بخش هایی از سوریه با نگاه سایر بازیگران همخوانی ندارد و از سوی دیگر تسلط هر یک از کشورهای قطر و عربستان بر سوریه به معنای تضعیف طرف مقابل و حتی ترکیه است که عملاً حوزه تعاملی را به تقابل سوق می دهد.
- حضور نیروهای آمریکایی و تقالی آنها برای حفظ خودمختاری کردها از یک سو و نیاز جولانی به جلب رضایت آمریکا از سوی دیگر می تواند زمینه ساز تنش دمشق با آنکارا شود.
- مطالبات اروپا از جولانی که در شروط کاهش تحریم ها نیز آمده است و ابعاد آن مسائل حقوق بشری، تشکیل دولت فراگیر و همراهی با طرح های سازشکارانه و گسترش نفوذ غرب در منطقه است. عملاً تهدیدکننده اهداف و منافع ترکیه، قطر و عربستان خواهد بود و جولانی برای ایجاد تعادل در مناسبات با طرفین با بحران مواجه خواهد شد.
- مطالبه و نگاه بدبینانه مردم سوریه به اشغالگری ترکیه،

ابعاد سفرها و رایزنی های جولانی را کسب بشروعت برای خویش و تحریر الشام تشکیل می دهد. بهره گیری از ظرفیت های عربستان و قطر برای عضویت در اتحادیه عرب از مهم ترین مؤلفه ها در این زمینه است.

۲- کسب کمک های اقتصادی: با توجه به وضعیت بحرانی اقتصادی سوریه که بخشی از آن ناشی از تحریم های سنگین غرب علیه نظام است و بخشی نیز پیامد هرج و مرج های ماه های اخیر سوریه است، امروز اقتصاد و معیشت مردم می تواند به پاشنه آشیل جولانی مبدل شود. بر این اساس نیز از یک سو جولانی بارها بر لزوم لغو تحریم های اروپا و آمریکا علیه سوریه جدید تأکید کرده و از سوی دیگر محور رایزنی هایش را دریافت کمک های اقتصادی قرار داده است. هر چند اروپا مدعی برداشتن بخشی از تحریم های سوریه شده است؛ اما شواهد امر نشان می دهد از یک سو اروپای تحت فشار اقتصادی جنگ اوکراین و تعرفه های تجاری آمریکا توان اقتصادی برای کمک زیاد به سوریه را ندارد و از سوی دیگر نیز ترامپ با عبارت «سوریه به ما ارتباطی ندارد» عملاً نمی تواند نقطه امید چندانی برای جولانی باشد.

۳- خرج کردن از کیسه سیاست خارجی برای داخل: جولانی و تحریر الشام برآند تا خود را ساختاری قدرتمند با ظرفیت سازی منطقه ای و جهانی معرفی کنند تا با جلب توجه به مسائل خارجی از دیدار با سران سایر کشورها گرفته تا اتهام زنی و تهدید برخی کشورها، افکار عمومی و مجامع جهانی را از پاکسازی ها و انتقام گیری هایی که در بسیاری از مناطق داخلی سوریه صورت می دهند، منحرف کنند.

اهداف انفرادی

در کنار اهداف مشترک ذکر شده، جولانی اهدافی انحصاری را نیز در قبال هر یک از کشورهای قطر، عربستان و ترکیه دنبال می کند از جمله:

۱- اطمینان بخشی به ریاض: دیدگاه های اخوانی و نیز ماهیت تروریستی تحریر الشام، قطعاً نگرانی هایی را در میان سران عربستان ایجاد کرده است؛ بنابراین، می توان گفت جولانی با انتخاب ریاض برای اولین مقصد سفر خارجی، برآن بوده تا ماهیت عربی سوریه جدید را برجسته کرده و به عربستان درباره تفکرات اسلام سیاسی خویش اطمینان دهد.

۲- سهم دمی قطر: فعالیت های جولانی، القاعده، تحریر الشام و... طی بیش از یک دهه در سوریه نشان می دهد، قطر از حامیان اصلی این گروه بوده است. سفر



قاسم غفوری کارشناس مسائل منطقه

سرانجام پس از گذشت دو ماه از سقوط نظام اسد، چنانکه پیش بینی می شد هیئت حاکمان دمشق با برگزاری نشستی، «محمد الجولانی» سرکرده تحریر الشام را رئیس جمهور دوران انتقالی معرفی کردند. نکته قابل توجه در روزهای نخستین به قدرت رسیدن جولانی در این مقام توجه به سیاست خارجی است. در همین راستا، سه رویداد در فاصله اندکی رقم زده می شود؛ چنانکه در ابتدا او میزبان «تمیم» امیر قطر می شود و سپس در اولین سفر خارجی، جولانی راهی عربستان شد. یک روز پس از آن نیز به آنکارا سفر کرده و توافقی با «اردوغان» رئیس جمهور ترکیه صورت می دهد. حال این سؤال مطرح می شود که هدف جولانی از انتخاب کشورهای مذکور برای مقصدهای اولین روزهای کاری اش چیست؟ آیا او می تواند به واسطه این روابط به اهداف خود دست یابد؟

جولانی به دنبال چیست؟

در باب اهداف و چرایی رویکرد جولانی به قطر، عربستان و ترکیه را می توان در مصاحبه اولیه او پس از رسیدن به این سمت جست و جو کرد. او در کنار وعده های بسیار برای ساختن یک سوریه بزرگ بر دو اصل تأکید می کند که جای توجه دارد. از یک سو عنوان می کند که هدف اولیه او جلب رضایت و اعتماد کشورهای منطقه است و از سوی دیگر نیز تأکید دارد بر برگزاری انتخابات و فرآیند جدید قانونی چهار تا پنج ساله زمان خواهد بود. با توجه به این دو مؤلفه اهداف پنهان و آشکار جولانی از این دیدارها را می توان ارزیابی کرد.

اهداف مشترک

حاکمان امروز دمشق و از جمله جولانی به طور نسبی در همه مرادوات و رایزنی هایی که طی دو ماه گذشته داشته اند، اهدافی با پیش زمینه های مشترک را دنبال کرده اند؛ از جمله:

۱- کسب مشروعیت: هر چند جولانی و تحریر الشام در یک فضاسازی سنگین رسانه ای که با همراهی غرب همراه بوده، تلاش داشته خود را یک ناجی و راهی بخش معرفی کند؛ اما ماهیت تروریستی و جنایتی که این گروه در سال های گذشته صورت داده است، همچنان بر آنها سنگینی می کند. در این وضعیت، می توان گفت از مهم ترین

دیدگاه

شماره ۱۱۷۷ | دوشنبه ۲۲ بهمن ۱۴۰۳



یادداشت

ایران کانادا و مکزیک نیست!

رضاصارمی

دکترای امنیت ملی



همزمان با سفر نخست وزیر رژیم صهیونی به آمریکا، ترامپ یک یادداشت اجرایی در ارتباط با تحریم های ایران امضا کرد. یادداشت اجرایی با فرمان اجرایی تفاوت هایی دارد؛ از جمله این تفاوت ها این است که فرمان اجرایی حالت قانونی ندارد و لازم نیست نحوه اجرای آن را به صورت دوره ای به کنگره گزارش داد. همچنین نهادهای نظارتی به صورت مداوم نحوه اجرای آن را بررسی نمی کنند. در این یادداشت توصیه های مختلفی به سازمان ها و نهادهای مربوطه در ارتباط با بازگشت تحریم ها و فشار حداکثری شده است.

ترامپ در سخنانی پس از امضای این یادداشت با لحنی آمیخته به تهدید گفت: «من مایل نیستم که فضا به سمتی رود که مجبور به ابلاغ فرمان اجرایی شوم و بهتر است که ایران به سمت برنامه هسته ای نظامی نرود و اگر آنها بخواهند من را ترور کنند، ایران را مورد حمله قرار می دهیم.» او همچنین پیشنهاد ملاقات و دیدار با رئیس جمهوری ایران را داده است.

به نظر می آید ترامپ می خواهد همان مدلی را که درباره کانادا و مکزیک اجرا کرده است، درباره ایران هم به اجرا آورد؛ یعنی تهدید کند و سپس امتیاز بگیرد بدون آنکه تهدید خود را عملیاتی کند. عده ای از کارشناسان معتقد هستند ترامپ در پی آن بود که در یک بررسی دوره ای طولانی تر با ایران مقابله کند؛ ولی ظاهراً نتایج اصرار داشته که ترامپ یک فرمان اجرایی صادر کند؛ اما ترامپ بسا توجه به پیامدهای این موضوع، از انجام آن خودداری کرد.

رئیس جمهور جدید آمریکا برای صدور فرمان اجرایی ملاحظاتی داشت؛ از جمله اینکه باید بنادر و پایگاه های چین را تحریم می کرد و این امر موجب شدت گرفتن تقابل چین و آمریکا می شد. همچنین اجرای فشار حداکثری و تحریم های گسترده به افزایش قیمت نفت منجر می شد و عربستان با درخواست ترامپ برای افزایش تولید نفت در همین ارتباط مخالفت کرده است. ترامپ می داند که فضای بین المللی با دوره اول ریاست جمهوری او بسیار متفاوت تر است و جمهوری اسلامی ایران هم تجربه مقابله با تحریم ها و عبور از آنها را دارد. در کنار آن ایران و تعداد زیادی از کشورها به دنبال این هستند که با تحریم های آمریکا در قالب سازمان های بین المللی، مانند بریکس یا مبادله و صادرات کالا با ارزهای ملی مقابله کنند. وزیر خارجه جدید آمریکا «مارکو رویو» هم به این موضوع اشاره کرده است و با نام بردن از کشورهای هند و برزیل که به دنبال گسترش مبادلات تجاری خود از طریق ارزهای ملی هستند، گفته است: «اگر این روند ادامه پیدا کند ظرف پنج سال آینده آمریکایی نمی تواند هیچ کشوری را تحریم کند.» نکته جالب توجه این است که سهم دلار از ذخایر جهانی از ۷۱ درصد در سال ۲۰۰۰ به ۵۸ درصد در سال ۲۰۲۴ رسیده است. ترامپ نمی خواهد از حربه فشار حداکثری به این سادگی دست بردارد. رئیس جمهور آمریکا تلاش خواهد کرد از ظرفیت کشورهای اروپایی هم بعد از این اقدام خود استفاده کند، آن هم از طریق مکانیسم ماشه، یعنی از اروپا بخواهد که با کمک آژانس بین المللی انرژی اتمی تحریم ها را در قالب برجام احیا کند و خود در نقش پلیس خوب بگوید حاضر به مذاکره با ایران است.

می تواند مناسبات جولانی با آنکارا را با مشکلات بسیاری همراه کند.

- اشغالگری گسترده رژیم صهیونی در سوریه که تاریخ دمشق امتداد یافته، در آینده ای نه چندان دور به مؤلفه تنش حاکمان دمشق با مردم و نیز کشورهای منطقه مبدل خواهد شد؛ و ویژه آنکه تضاد منافع بسیار میان دو طرف وجود دارد که عملاً قرار گرفتن آنها بر سر یک میز را غیر ممکن می کند.

- اقدامات حاکمان دمشق، از جمله انحلال ارتش و نیروهای امنیتی و قانون اساسی موجهی از هرج و مرج را در سوریه از هم فروپاشیده به همراه خواهد داشت؛ چنانکه اکنون بسیاری از مناطق گرفتار درگیری های داخلی و انتقام گیری و البته کشتارها و اعدام ها برای تثبیت قدرت جولانی است. تحقق هر یک از وعده ها و اهداف سیاست خارجی نیازمند ثبات داخلی و اطمینان بخشی از دوام حکومت است. ناتوانی جولانی در تحقق این مهم می تواند تضعیف و حتی روی برگردانی کشورهای منطقه و فرمانطقه از جمله قطر، عربستان و ترکیه از او را به همراه داشته باشد.

- هر چند جولانی بر این تصور است که رابطه با عربستان، ترکیه و قطر و حفظ مناسبات بسا اردن و مصر و ترکیه بر وعده های اروپا و آمریکا می تواند حاکمیت وی را ادامه دار کند؛ اما حقیقت آن است که روحیه بسیاری از سوری ها در قالب مقاومت شکل گرفته است که هر حاکمی را به تعامل با مقاومت ناچار می کند. بنابراین، نادیده گرفتن این مهم می تواند به پاشنه آشیل حاکمان دمشق، از جمله جولانی مبدل شود.

جان کلام

در جمع بندی نهایی از آنچه ذکر شد، می توان گفت هر چند جولانی و متحدانش با نمایش های رسانه ای برآند تا از او یک ابرقهرمان به نمایش بگذارند و میزبانی اش از امیر قطر و سفر جولانی به عربستان و ترکیه را نشانه ای بر سیاست خارجی فعال و تأثیرگذار او جلوه دهند؛ اما شواهد امر نشان می دهد این ماه عمل چندان دوامی نخواهد داشت، حقیقت آن است که سیاست داخلی و خارجی این گروه تا به امروز بیشتر همچون نمایشی خیالی روی پرده سینما بوده که تناسب چندانی با واقعیت های سوریه و منطقه ندارد و نتیجه آن می تواند به یک فاجعه برای سوریه و منطقه و کوتاه بودن عمر این جریان مبدل شود.

عکس و مکت



خدمت در مناطق مصعب الجبوری، گازرسانی به دورترین مناطق کشور، نمونه ای از تلاش نیروهای انقلاب برای برخورداری مردم نقاط مرزی از امنیت و آسایش است.



برای حجاب و عفاف، پاتوق «وفاق حسینی»، با هدف ترویج فرهنگ حجاب و عفاف که باعث مجبیه شدن دختران و خانم های کم حجاب هم شد، هفته گذشته برگزار شد.



دیدار با جانبازان کرمانی، نماینده ولی فقیه با حضور در آسایشگاه جانبازان ضمن دیدار با آنان، ایثارشان را ستود و گفت شما حافظ تعامیت ارضی این سرزمین بوده اید.

چه کسی طرح ترامپ را نوشت؟

تکرار ایده «شیمون پرز» این بار از سوی رئیس جمهور آمریکا برای فلسطین

زهر اتوحدیدیان

دبیر گروه بین الملل

رئیس جمهور آمریکا که این روزها به تیریک رسانه‌های جهان تبدیل شده، با طرح موضوع کوچاندن اجباری ساکنان غزه و اسکان آنها در کشورهای دیگر، جنجال جدیدی به پا کرده است. «فلسطینی‌ها و مردم نوار غزه، چاره‌ای جز ترک آن ندارند. اردن و مصر باید از فلسطینی‌های غزه میزبانی کنند.» برخی از کارشناسان و تحلیلگران درباره منشأ طرح ترامپ گمانه‌زنی‌هایی داشتند و برخی رسانه‌های غربی به نقل از منابع آگاه نوشتند که این طرح، ابتکار خود اوست؛ چراکه هیچ‌کس ایده جدیدی برای غزه ندارد.

واکاوای اسناد محرمانه دولتی انگلیس، داستان دیگری را روایت می‌کنند. این اسناد نشان می‌دهند، رژیم صهیونیستی بیش از پنج دهه پیش طرحی محرمانه برای اخراج هزاران پناهنده فلسطینی از غزه به شمال سینا در شمال شرقی مصر تدوین کرده که آمریکا و انگلیس نیز از آن مطلع بوده‌اند.

پس از آنکه ارتش رژیم صهیونیستی غزه، کرانه باختری، بیت المقدس شرقی و بلندی‌های جولان

سوریه را در جنگ ژوئن ۱۹۶۷ به اشغال خود درآورد، این نوار کوچک به دغدغه امنیتی بزرگ رژیم صهیونیستی تبدیل شد؛ زیرا اردوگاه‌های شلوغ پناهندگان آن به کانون مقاومت مسلحانه در برابر اشغالگری تبدیل شده بود که عملیات مقاومت علیه نیروهای رژیم صهیونیستی و متحدان‌شان را سازماندهی می‌کردند. اسناد بریتانیایی تخمین زده بودند که ۲۰۰ هزار پناهنده از سایر بخش‌های فلسطین در غزه تجمع دارند که آژانس امداد و کار سازمان ملل متحد برای آوارگان فلسطینی (آنرو) به آنها رسیدگی می‌کند و ۱۵۰ هزار نفر دیگر نیز در این منطقه هستند که ساکنان بومی غزه به شمار می‌روند. در همان ایام، سفارت بریتانیا در تل‌آویو اقدامات رژیم صهیونیستی برای آواره کردن هزاران فلسطینی در عریش، واقع در شمال شبه جزیره سینا در مصر و در ۵۴ کیلومتری مرز غزه با مصر را تحت نظر داشت. بر اساس گزارش‌های محرمانه سفارت، این طرح شامل «انتقال اجباری» فلسطینی‌ها به مصر یا دیگر بخش‌های تحت سیطره رژیم صهیونیستی بود تا از عملیات مقاومت علیه اشغالگران و مشکلات امنیتی پیش‌روی رژیم صهیونیستی در نوار غزه کاسته شود. در ژانویه ۱۹۷۱، «ارنست جان وارد بارنز» سفیر وقت بریتانیا در تل‌آویو، دولت خود

بپردازد. در گزارشی از این دیدار، سفارت اعلام کرد، پرز در پاسخ به این پرسش که آیا «برای احیای صلح و حیات غزه، شمار زیادی از فلسطینی‌ها (به مصر) منتقل می‌شوند»، گفت: «حدود یک سوم از جمعیت اردوگاه در مناطق دیگر اسکان داده می‌شوند» وی افزود: «جمعیت نوار غزه باید به صد هزار نفر کاهش پیدا کند.»

به گفته پرز، آوارگان فلسطینی نیز خود رضایت داشتند «در آوارمان‌های باکیفیت ساخته شده توسط مصری‌ها در عریش سکونت کنند؛ چراکه می‌توانند اقامت نیمه دائمی داشته باشند.» سفیر انگلیس در رژیم صهیونیستی در ارزیابی اطلاعات محرمانه پرز خاطر نشان کرد، صهیونیست‌ها معتقدند هرگونه راه حل دائمی برای مشکلات نوار غزه «باید شامل اخراج بخشی از جمعیت این منطقه به خارج از نوار غزه باشد.»

نماینده‌ی بریتانیا در «خاور نزدیک» در ارزیابی خود از طرح محرمانه رژیم صهیونیستی، همچنین هشدار داد «علی‌رغم توجه‌های اسرائیل برای این سیاست گسترده، نمی‌توان انکار کرد که اسرائیل میزان خشمی را که این دکتین [اسرائیلی] در جهان عرب و سازمان ملل ایجاد خواهد کرد، دست‌کم می‌گیرند.»

را از این موضوع مطلع کرد. بارنز با ارسال نامه‌ای به رئیس خود در دفتر امور خارجه کشورهای مشترک‌المنافع گفت: «به نظر می‌رسد تنها اقدام مشکوک اسرائیل از نظر حقوق بین‌الملل، اسکان مجدد برخی از پناهجویان غزه در خاک مصر در عریش باشد.» سفیر وقت بریتانیا همچنین افزود: «آمریکایی‌ها از اقدامات اسرائیل باخبرند» وی تصریح کرد: «ما اطلاع یافته‌ایم که سفارت آمریکا از این موضوع مطلع بوده و به واشنگتن توصیه کرده در گفت‌وگوهای رسمی، موضوع اقدامات اسرائیل در غزه را به روی مقامات دولت اسرائیل نیاورد.» هشت ماه بعد، سفیر وقت بریتانیا در گزارش ویژه‌ای درباره غزه، بار دیگر موضوع انتقال اجباری را مطرح کرد و نوشت، به زعم او، کوچاندن آوارگان غزه به عریش مصر «نوعی بی‌اهمیتی نسبت به افکار بین‌المللی» از سوی صهیونیست‌هاست. در سپتامبر ۱۹۷۱، دولت اسرائیل رسماً به انگلیس خبر داد که طرحی پنهان برای اخراج فلسطینی‌ها از غزه به مناطق دیگر، به‌ویژه عریش وجود دارد. «شیمون پرز» وزیر حمل و نقل و ارتباطات وقت رژیم صهیونیستی، به رایزن سیاسی سفارت بریتانیا در تل‌آویو گفت: «زمان آن رسیده است که اسرائیل بیشتر به نوار غزه و کمتر به کرانه باختری

تحلیل

غرب علیه غرب

نگاهی به تقابل اروپا و آمریکا!

وضعیت، اروپا می‌تواند به سادگی تسلیم شود و خواسته‌های ترامپ را اجرا کند. اما در این صورت، باید تحقیرها و تحریم‌های آزاددهنده او را بدون هیچ اعتراضی تحمل کند و احتمالاً با درخواست‌های بیشتر و سنگین‌تر وی روبه‌رو شود. اتحادیه اروپا قادر است در برابر این طوفان ایستادگی و همانند ترامپ، رویکردی سرد و کاملاً معامله‌گرانه اتخاذ کند و وقتی تعرفه‌های گمرکی اجتناب‌ناپذیر اعمال شوند، اروپا نیز باید مقابله‌به‌مثل کند و استقلال راهبردی خود را جدی بگیرد.

گزارش در پایان تأکید دارد: «رهبران اروپا در این میان، خود نیز مقصودند. آنها زمان را تلف کردند و ادعاهای بزرگی مطرح کردند، اما در عمل، کار چندانی برای مقاومت‌سازی اتحادیه در برابر ترامپ انجام ندادند. آنها به جای آنکه برای بازگشت ترامپ آماده شوند، این سناریوی کابوس‌وار را به گوشه ذهن خود راندند. تردیدهای شان موجب شد که در گسترش نیروهای نظامی اتحادیه و کنار گذاشتن نگرش گزینشی در روابط فرآتلانتیکی کوتاهی کنند. اتحادیه اروپا باید مدت‌ها پیش بالغ می‌شد و اکنون ممکن است مجبور به این کار شود.»

پنجره

شکست از ایران

افشای اسناد محرمانه رژیم صهیونی

بر اساس گزارش «پدیعت آحارانوت»، سازمان شاپاک در گزارش سالانه عملکرد خود مدعی شده است، در سال ۲۰۲۴، بالغ بر ۱۳ مورد جاسوسی برای ایران کشف و علیه ۲۷ اسرائیلی کیفرخواست تنظیم کرده است که در مقایسه با سال قبل چهار برابر شده است. طبق ادعای این سازمان، فعالیت ایران در سال گذشته، در بخش‌های گوناگون، مانند انتقال سلاح به کرانه باختری، تلاش برای به‌کارگیری اسرائیلی‌ها برای انجام مأموریت‌های مختلف و نیز حملات سایبری به اهداف اسرائیل افزایش قابل توجهی داشته است.

«یهود باتوم» تحلیلگر سیاسی رژیم صهیونیستی در گزارشی در روزنامه صهیونیستی «معاریو» نوشت: «بیشتر جزئیات مربوط به شبکه‌های جاسوسی ایران هنوز در حالت محرمانه قرار دارد و ساختار اطلاعاتی رژیم صهیونیستی در حال تحقیق پیرامون این موارد است. ماه‌ها در روند رسوایی‌های نفوذ جاسوس هستیم و از شنیدن اخبار بیشتری در مورد نفوذ جاسوسان خارجی به اسرائیل در آینده نزدیک، تعجب نمی‌کنم.»

وی مدعی شد: «از میان گروه‌های جاسوسی دستگیر شده در ماه‌های اخیر، خبر دستگیری دوسریاز ارتش اسرائیل، که یکی از آنها در گنبد آهنین خدمت می‌کرد، جدی‌ترین آنهاست که ایرانی‌ها توانسته‌اند به گنبد آهنین قلب تپنده ارتش اسرائیل نفوذ کنند. نفوذ اطلاعاتی ایران از طریق استخدام سرباز ارتش اسرائیل و دستیابی به اطلاعات طبقه‌بندی شده گنبد آهنین یک موفقیت چشمگیر برای ایران به شمار می‌آید.»

به گفته یک مقام امنیتی صهیونیستی، ایران برای نفوذ و تضعیف امنیت اسرائیل، تنها از افراد خاص و عرب استفاده نمی‌کند، بلکه از طریق شبکه‌های اجتماعی با شهروندان خریدی، مهاجران جدید، اقلیت‌ها و شهروندان سکولار ارتباط برقرار کرده و آنها را علیه امنیت اسرائیل به کار می‌گیرد.

این روزنامه با بیان اینکه به دنبال افزایش آمار پرونده‌های جاسوسی برای ایران، اسرائیل مجبور به تأسیس «بند مخصوص متهمان به جاسوسی برای ایران» شده، خاطر نشان کرد: «چندی پیش نیز به رسانه‌های رژیم صهیونیستی اجازه داده شد از بند مخصوص «۱۷۱» زندان اسرائیل که برای نگهداری ۲۶ متهم به جاسوسی برای ایران استفاده می‌شود، گزارش تهیه کنند.»



ایران قوی

رئیس جمهور آمریکا در دیدار «تانیاهو» مدعی شد: «عربستان برای عادی سازی روابط خود با اسرائیل، تشکیل کشور مستقل فلسطین را به عنوان یک شرط اعلام نکرده است.» وی افزود: «شرایط در غزه بسیار خطرناک است. باید آن را بازسازی کنیم. چیزی جز خرابی و مرگ در غزه وجود ندارد. امیدوارم فلسطینیان به دنبال بازگشت به غزه نباشند.» ترامپ با تلاش برای طفره رفتن از پاسخ به احتمال حمله رژیم صهیونیستی به تأسیسات هسته‌ای ایران، درباره ادعای رسانه‌های غربی درباره تضعیف ایران تصریح کرد: «ایران ضعیف نیست. ایران یک کشور بسیار قوی است؛ اما به آنها اجازه نخواهیم داد به سلاح هسته‌ای برسند.»



شورش در تل‌آویو

«یهود باراک» نخست‌وزیر پیشین رژیم صهیونیستی، خواستار نافرمانی مدنی گسترده در اراضی اشغالی فلسطین شد تا «کابینه تانیاهو پیش از آنکه همه را در پرنگاه استبداد تریک و فاسد ببندد»، ساقط شود. وی افزود: «به نظر می‌رسد دونالد ترامپ، تانیاهو را مجبور به اجرای توافق آتش‌بس کرد و او را وادار می‌کند قرارداد را تا پایان ادامه دهد؛ به این ترتیب از سرگیری جنگ در غزه امکان‌پذیر نخواهد بود.» باراک تصریح کرد: «(طبق توافقات) یک گروه عربی با موافقت و مشارکت تشکیلات خودگردان، حمایت اتحادیه عرب، آمریکا و شورای امنیت وارد میدان خواهد شد تا به تدریج جایگزینی برای حماس ایجاد شود.»



جهان

شماره ۱۱۷۷ | دوشنبه ۲۲ بهمن ۱۴۰۳



پیشخوان

تاخت و تاز مرگ در آمریکا



روزنامه «واشنگتن پست» در گزارشی نوشت: «در سال ۲۰۲۳، تخمین زده می‌شود که ۴۰ هزار و ۹۹۰ نفر در آمریکا در حوادث رانندگی کشته شده‌اند. این آمار به اندازه گنجایش پارک ملی واشنگتن و یا یک استادیوم بزرگ پر از تماشاچیان بازی فوتبال است که هر یک از آنها در سانحه ناگواری جان داده‌اند. در کنار این آمار، باید گفت سالانه ۶ میلیون تصادف غیر مرگبار نیز رخ می‌دهد که به مصدومیت ۲ میلیون نفر منجر می‌شود.»

این روزنامه علت این تصادفات را اغلب خطای انسانی خواند و افزود: «عوامل این تصادفات مرگبار متعدد است، از مشکلات طراحی جاده که در آن سرعت بالا در اولویت است، نه امنیت افراد گرفته تا خطای راننده. بسیاری از افراد در حالی که خواب‌آلود یا مست هستند پشت فرمان می‌نشینند و با سرعت بالا از چراغ قرمزها عبور می‌کنند.»

هزاران گمشده غزه



روزنامه «وال استریت ژورنال» نوشت: «به گفته کمیته بین‌المللی صلیب سرخ بیش از ۹ هزار نفر در فلسطین مفقود شده‌اند. سرنوشت حدود ۲۴۰۰ مورد مشخص شده، اما سرنوشت نزدیک به ۷ هزار نفر دیگر همچنان نامعلوم است و صلیب سرخ می‌گوید گمان می‌رود افراد گمشده بیش از این مقدار باشند. احتمال می‌رود شمار زیادی از این افراد زیر آوار دفن شده باشند و تعدادی دیگر مخفیانه به دست اسرائیل اسیر شده‌اند و خانواده‌هایشان بی‌خبر هستند.»

به نوشته این روزنامه، استخراج اجساد قربانیان از زیر آوار کار دشواری است که خطر ناشی از انفجار مهمات عمل نکرده و فروریختن سازه‌های در حال آوار را به همراه دارد. سازمان ملل ارزیابی کرده است، با توجه به کمبود بیل مکانیکی در غزه و محدودیت‌های اسرائیل برای واردات آن، پاکسازی ۵۰ میلیون تن آوار ناشی از بمباران اسرائیل ممکن است بیش از ۲۰ سال طول بکشد.»

وال استریت ژورنال افزود: «برخی از بستگان این مفقودشدگان بر این باور و گاه امیدوارند که عزیزان‌شان در بازداشت اسرائیل ولی زنده باشند. به گفته گروه‌های حقوق بشری، بسیاری از زندانیان فلسطینی در سیستم اسرائیل ثبت نمی‌شوند؛ مخصوصاً افرادی که در اردوگاه‌های موقت اسرائیل در غزه نگهداری می‌شوند. کسی از سرنوشت این افراد حتی بعد از آزادی خبر ندارد.»

نسل‌کشی زنان

«ریم السالم» گزارشگر سازمان ملل در امور خشونت علیه زنان، گفت: «حملات اسرائیل به زنان فلسطینی بخشی از استراتژی نسل‌کشی سیستماتیک است و کشتن زنان صرفاً به دلیل فلسطینی بودن آنها، جنایت جنگی و جنایت علیه بشریت تلقی می‌شود.» وی تأکید کرد: «بمباران تنها کلینیک ناباروری در غزه، ممانعت از دسترسی زنان باردار به مراقبت‌های مامایی، تخریب زیرساخت‌های بهداشتی و قطع آب، سوخت، برق و تجهیزات پزشکی، شواهدی هستند که حملات سیستماتیک اسرائیل به ظرفیت باروری زنان فلسطینی را نشان می‌دهند.» به گفته السالم، کارشناسان حقوق بشر خواستار استفاده از اصطلاح «نسل‌کشی زنان» برای توصیف جنایات رژیم صهیونی علیه زنان هستند.



یادداشت

آیا افزایش نرخ ارز خودخواسته است؟

احمد صالحی

کارشناس اقتصادی



اگر بپذیریم در موضوع افزایش قیمت ارز از سوی بانک مرکزی یا وزارت اقتصاد بی عملی و سوءمدیریتی صورت نگرفته و تحلیل خود را طبق نمودار بازار ارائه دهیم، براساس نمودارهای ظاهری افزایش قیمت ارز می‌توان چنین تحلیلی ارائه داد که به تبع افزایش نرخ نیمه، نرخ ارز در بازار غیر رسمی نیز به صورت طبیعی افزایش می‌یابد، ضمن اینکه نباید فراموش کنیم این افزایش در دولت قبلی نیز وجود داشت.

بسیار توجه به اینکه بازار توافقی یک شبه ایجاد نشده است، بلکه از دولت قبل سازگار ایجاد آن طراحی شده تا امروز به مرحله اجرا برسد، باید به سراغ عواملی، مانند عرضه و تقاضا برویم که در قیمت ارز تأثیر گذارند.

تفاوت سامانه تجاری ارز با سامانه نیما این است که در این سامانه برخلاف نیما عرضه‌کنندگان و متقاضیان ارز همدیگر را نمی‌شناسند؛ چون در سامانه نیما افراد همدیگر را پیدا می‌کنند و نرخ متفاوت از نرخ سامانه را برای داد و ستد خود تعیین می‌کنند؛ برای نمونه اگر در سامانه، نرخ نیما ۴۰ هزار تومان بود، آنها پشت سامانه نیما با هم معامله کرده و قیمت را ۴۵ هزار تومان تمام می‌کنند.

در سامانه نیما ارز به کسی فروخته می‌شد که صادرکننده آن را انتخاب کرده بود؛ زیرا نیما صادرکننده را مجبور به فروش براساس نرخ‌های پیشنهادی خود می‌کرد. واردکننده هم ارز را با هر نرخی که خریداری می‌کرد، با اطمینان به اینکه حاشیه سود خود را دارد و کالای وارداتی را با نرخ بیشتری به فروش می‌رساند، ارز را با قیمت بالاتر از سامانه نیما خریداری می‌کرد. پس تفاوت بازار توافقی ارز با سامانه نیما محرز است و این طور نیست که بازار توافقی همان عملکرد سامانه نیما را داشته باشد.

ضمن اینکه خرید در سامانه تجاری ارز شبیه خرید در بورس است. وقتی شما می‌خواهید از بورس سهام بخرید، نمی‌دانید در کارگزاری‌های بورس از چه کسی سهم مذکور را خریداری می‌کنید؛ زیرا در سامانه یک سری فروشنده و یک سری خریدار وجود دارند که به هم وصل می‌شوند؛ ممکن است این سهام را حتی از ۵ نفر بخرید؛ یعنی اگر بخواهید یک میلیون برگ سهم از شرکتی را بخرید، ممکن است این یک میلیون برگ سهم از ۵ نفر با قیمت‌های مختلف به شما فروخته شود. با توجه به اینکه از دو سال گذشته بانک مرکزی برنامه‌ریزی‌هایی برای راه‌اندازی بازار توافقی داشته، این روند نشان می‌دهد برنامه‌ای در خصوص متناسب‌سازی نرخ ارز در حال درست یا غلط وجود داشته است.

لذا به نظر می‌رسد نرخ برنامه‌ریزی شده‌ای برای ارز وجود دارد، به این معنا که می‌توان احتمال داد سکاندار فعلی بانک مرکزی با وزیر اقتصاد با هم هماهنگ هستند؛ اگر فرض کنیم برنامه‌ای پشت این روند وجود داشته باشد، می‌توان این چنین تحلیل کرد که حاکمیت نظام پولی و مالی کشور تلاش کرده است تا انرژی پشت سد دلار را تخلیه کند.

در واقع فهم و برداشت من این است که سیاست‌گذار با مجموعه اقداماتی که داشته مانع از آن شده که شبیه سال ۱۳۹۷ به یک باره فرفرود شده نرخ ارز یا فشاری که پشت سد نرخ ارز وجود داشته، از جا در برود و انرژی انباشته شده و ذخیره شده نرخ ارز شبیه سال ۱۳۹۷ نرخ ارز را دچار تکانه‌های جدی، مانند رشد شش تا هفت برابری آن کند.



ساحل عباسی

خب‌نگار

رئیس اتاق بازرگانی ایران و عراق گفت: «اگر آقای ترامپ در جهت حل مسئله موضع‌گیری داشته باشد و خواهان رفع تحریم‌های اقتصادی ایران باشد، مسئولان جمهوری اسلامی ایران در آن چارچوب دنبال حل مسئله خواهند بود. در غیر این صورت اگر جهت‌گیری خلاف آن باشد، شبیه روال قبلی وضعیت کار و تجارت و بازرگانی ایران با اندک فشاری ادامه می‌یابد.»

«یحیی آل اسحاق» رئیس اتاق بازرگانی ایران و عراق و فعال تجاری در گفت‌وگو با «صبح صادق» نگاهی به موضوع رفع تحریم‌ها و مسائل مرتبط با فضای‌تی اف و نظریه‌های کارشناسان در این زمینه دارد و معتقد است: «بعد از ورود آقای ترامپ به کاخ سفید مطالبی در خصوص تصویب لوایح اف‌ای‌تی اف و رفع تحریم‌ها و مذاکره با آمریکا در کشور بسیار شنیده می‌شود؛ یعنی بسیاری از کارشناسان اقتصادی تا سیاست خارجی در این خصوص هر کدام از زاویه دید خود این مباحث را مطرح می‌کنند.»

وی در این باره بیان داشت: «به نظر می‌رسد آنچه در این موضوع گفته می‌شود از دو زاویه دید است. اول زاویه بحث‌های نظری، سلیقه‌ای، آرزو و برداشت‌های اشخاص است، آن هم به تعداد افسردگی که در حوزه‌های مختلف، از جمله حوزه‌های سیاسی و اقتصادی فعالیت می‌کنند، در این زمینه‌ها با هم اختلاف نظرهایی نیز دارند؛ هر چند اختلاف نظرهای موجود عمدتاً با حسن نیت است و ایرادی هم ندارد. بنابراین طبیعی است که برخی فکر می‌کنند اگر روابط خارجی ما با کشورها با faff حل شود؛ وضعیت بسیار خوبی در پیش روی اقتصاد کشور خواهد بود و البته برخی نیز نظرات متفاوتی دارند.»

رئیس اتاق بازرگانی ایران و عراق ادامه داد: «از آن سو برخی عنوان می‌کنند با رفع تحریم‌ها و عضویت در اف‌ای‌تی اف یا تصویب لوایح و...»

یحیی آل اسحاق در گفت‌وگو با صبح صادق

ترامپ می‌خواهد جلوی افول آمریکا را بگیرد!



توجه به این موضوع، پس در می‌یابیم مسائل مرتبط با حوزه خارجی نیز باید براساس قانون تعیین شده و مشخص و هدف‌گذاری شود. «در نهایت آنچه وی در این باره تأکید داشت: «در نهایت آنچه درباره رفع تحریم‌ها، مذاکره یا عدم مذاکره با آمریکا اتفاق خواهد افتاد، جهت‌گیری‌ها و راهبردهایی است که رهبر معظم انقلاب به مجموعه مسئولان دارند. بنابراین، این بحث‌های نظری که در رسانه‌ها گفته می‌شود، بیشتر فضا‌سازی است و چندان ارزش یا جایگاه اجرایی و واقعی ندارد. آنچه اتفاق می‌افتد در چارچوب راهبردهایی است که رهبر معظم انقلاب مشخص می‌کنند. بنابراین مجلس شورای اسلامی، دولت، قوه قضائیه و سایر مجریان در نهایت باید بر اساس چارچوب‌ها و راهبردهای تعیین شده از سوی رهبر معظم انقلاب که ناظر بر تأمین منافع ملی است، حرکت و آن را اجرا کنند.

بی‌تردید بخشی از این راهبردها را رهبر معظم انقلاب در جلساتی که به صورت عمومی با آحاد مردم برگزار می‌شود و به صورت خصوصی، به رؤسای قوا توصیه می‌کنند و مسیر پیش‌رو را روشن می‌کنند. ضمن اینکه این موضوع اصلاً مربوط به امروز نیست، بلکه از گذشته نیز اینگونه بوده است؛ زیرا رهبری انقلاب با توجه به تأمین منافع ملی که بخش قابل توجهی از آن تأمین منافع اقتصادی کشور است، حدود و چارچوب مذاکرات را مشخص می‌کنند و دولت‌ها موظفند به این حدود و چارچوب‌ها عمل نمایند.»

وی در این باره بیان داشت: «رهبر معظم انقلاب درباره مذاکره به کلمه «معامله» اشاره داشتند. وقتی سخن از معامله می‌شود، به این معناست که در معامله خرید و فروش انجام می‌شود. برخی از مردم جامعه و کارشناسان از این سخنان اینگونه استنباط کردند که رهبر فرزانه انقلاب اجازه مذاکرات را داده‌اند؛ در حالی که رهبر معظم انقلاب در این سخنان بیشتر به این موضوع تأکید داشتند که در هر مذاکره و معامله‌ای باید حواس‌مان جمع باشد؛ زیرا طرف مقابل ما به دنبال تأمین منافع خاص خود است و البته از طرفی

نیز اتفاق آن چنانی در اقتصاد رخ نمی‌دهد؛ زیرا سوءمدیریت‌های داخلی کار دست اقتصاد داده و اصلاحات اقتصادی باید از داخل کشور کلید زده شود. بنابراین، در این خصوص اظهار نظرهای متفاوتی بیان می‌شود و در نهایت نیز این موارد به تشخیص زمان، موقعیت، مصالح و مفاسد هر یک از مباحث که هر کسی به ظن خود درباره آن اظهار نظر می‌کند، بستگی دارد.»

یحیی آل اسحاق گفت: «اظهار نظرهای متفاوت در این زمینه اصلاً جای نگرانی ندارد؛ چرا که یک جامعه سالم و پویا این گونه است که نظرها همه اعم از موافق یا مخالف باید بیان و شنیده شود؛ اما آنچه اتفاق می‌افتد تبعیت از ضوابط و مقررات کشور است که در نهایت مسیر کار باید از طریق قانون دنبال شود؛ لذا در این موارد، به ویژه موضوعاتی که تا این حد حائز اهمیت است، نمی‌توان براساس اظهار نظرهای افراد و کارشناسان که از فضا نظرهای گاه‌آگاه متفاوتی نیز با هم دارند، جلسورت و اظهار نظرهارا ملاً کار قرار داد؛ زیرا کارشناسی‌های انجام شده فقط فضا‌سازی و زمینه‌سازی برای شکل دادن به واقعیت بزرگ‌تری تحت عنوان اجرای قانون است.»

وزیر اسبق بازرگانی گفت: «آنچه از نظر حقوقی باید شکل بگیرد، از اصل ۱۱۰ قانون اساسی باید تبعیت کند؛ زیرا این اصل تأکید دارد سیاست‌های کلی نظام اعم از روابط داخلی و روابط خارجی و... باید از سوی رهبر معظم انقلاب مشخص شوند.»

وی در این باره توضیح بیشتری داد و گفت: «برای نمونه در مسائل داخلی در اول هر برنامه‌ای، از جمله برنامه‌های توسعه وقتی که می‌خواهند آن برنامه را تدوین کنند، رهبر معظم انقلاب اصول حاکم بر برنامه را با تأکید بر اینکه این اصول در برنامه باید رعایت شود، بیان می‌کنند. پس در رابطه با هر قانونی که بخواهند وضع کنند، دولت، مجریان و حاکمیت موظف هستند اصول حاکم بر سیاست‌های کلی را که رهبر معظم انقلاب مشخص می‌کنند، در نظر داشته و اجرا کنند. با

به واسطه ماهیتش دنبال خیانت است. «وی خاطر نشان کرد: «بی‌تردید رفع تحریم‌ها برای حل برخی از مشکلات اقتصادی کشور مهم است؛ اما اصل موضوع را وزیر امور خارجه عنوان کردند که تا کنون از سوی آمریکا پیامی در خصوص مذاکره با ایران بیان نشده است و ما منتظر موضع‌گیری رسمی طرف آمریکایی هستیم.» رئیس اتاق بازرگانی ایران و عراق گفت: «اگر آقای ترامپ در جهت حل مسئله موضع‌گیری داشته باشد و خواهان رفع تحریم‌های اقتصادی ایران باشد، مسئولان جمهوری اسلامی ایران نیز طبیعتاً در آن چارچوب دنبال حل مسئله خواهند بود. در غیر این صورت اگر جهت‌گیری‌ها خلاف آن باشد، شبیه روال قبلی وضعیت کار و تجارت و بازرگانی ایران نیز با اندک فشاری ادامه می‌یابد.»

وی افزود: «تا کنون که ترامپ در عمل نشان داده است تلاش می‌کند هزینه‌های کشورش را در رابطه با خارج از مرزها کاهش دهد؛ حالا این کاهش می‌تواند اعم از هزینه‌های ناتو، هزینه‌های تعرفه‌ای، عدم کمک به اپوزیسیون و جریان‌های جهانی و... باشد. او قصد دارد با این اقدامات وضعیت اقتصادی آمریکا را بهبود بخشد؛ زیرا از این رو ترامپ تلاش می‌کند هزینه‌ها و تعهدات آمریکا را نسبت به دنیا کاهش دهد؛ حتی می‌گوید به ناتو هم پول نمی‌دهم و تعرفه‌ها را افزایش خواهد داد.»

افزوده

رقابت

«رقابت» اقتصادی در بازارها روی می‌دهد که مکان ملاقات عرضه‌کنندگان و خریداران است. رقابت سه مشخصه دارد که عبارت است از: «شمار فروشندگان بالا، کالا و یا خدماتی که فروخته می‌شود مشابه هم هستند و فروشندگان اضافی می‌توانند به آزادی وارد بازار شوند.» رقابت در علم اقتصاد بین فروشندگان در تلاش برای دستیابی به اهدافی چون سود فرایند، سهم بازار، و حجم فروش از طریق تغییر دادن عناصر ترکیب بازاریابی انجام می‌گیرد: قیمت، کیفیت محصول، توزیع و تبلیغ. گفتنی است، در اسلام رقابتی درست است که در چارچوب قواعد اخلاقی و حقوقی اسلام پذیرفته است.



شاخص

بنزین آمریکایی

روزنامه «گاردین» در گزارشی به نقل از تحلیلگران و فعالان بازار سوخت هشدار داد، مصرف‌کنندگان آمریکایی به دلیل تصمیم دونالد ترامپ برای اعمال تعرفه روی نفت وارداتی از کانادا و مکزیک، با افزایش قیمت بنزین مواجه خواهند شد. در این گزارش آمده است: «این افزایش احتمالی قیمت سوخت نشان‌دهنده ماهیت شمشیر دولبه سیاست‌های تجاری ترامپ است که از یک سو برای تقویت کسب‌وکارهای داخلی و تحت فشار قراردادن همسایگان آمریکا برای کاهش مهاجرت غیرقانونی و قاچاق مواد مخدر طراحی شده‌اند، اما از سوی دیگر با وعده‌های او برای مقابله با تورم در تضاد هستند.»



منهای نفت

۹۵ هزار تن

ایران از سال ۱۴۰۱ صادرکننده تخم مرغ شد و در این سال حدود ۵۵ هزار تن صادر کرد. این عدد در سال ۱۴۰۲ به ۱۳۵ هزار تن رسید. پیش‌بینی‌های اعلام شده نشان می‌دهد، میزان صادرات امسال به بیش از ۱۴۰ هزار تن برسد. از ابتدای سال تا پایان مهر امسال حدود ۹۵ هزار تن تخم مرغ به ۱۱ کشور صادر شده است که در مقایسه با سه سال گذشته ۱۰۰ درصد رشد داشته است. صادرات این محصول پروتئینی با سه کشور آغاز شده و امروز به ۱۱ کشور رسیده است. بنابر نمودار رشد صادرات تخم مرغ در این سال‌ها می‌توان گفت، این محصول ارزآوری مناسبی برای کشور داشته است.



تقویم انقلاب

پیام روز ۲۲ بهمن

سید مهدی حسینی
مورخ و پژوهشگر



در تقویم تاریخی انقلاب اسلامی، روز ۲۲ بهمن سال ۱۳۶۱ امام خمینی (ره) پیام مهمی خطاب به مسئولان نظام و نیروهای مسلح صادر کردند. ایشان در این پیام وضعیت انقلاب اسلامی را تحلیل کردند و نکات بسیار مهم و آموزنده‌ای را ارائه دادند. و در هفت بند رهنمود دادند که ذیلاً به طور فشرده گزینته‌هایی از آن ارائه می‌شود:

۱- در ابتدای بند یک با توضیحاتی تأکید کردند: «توجه داشته باشید که غرور از پیروزی‌ها آفت بزرگی است که شیطان باطنی در بندگان خدا به وجود می‌آورد تا آنان را از راه حق منحرف کند و در اثر آن خلق خدا را در کوشش برای مقصد الهی سست کند و...»

۲- در این بند با یادآوری شرارت‌های اشرار در سال‌های پس از پیروزی انقلاب تا سال ۱۳۶۱ که گروهک‌های تجزیه‌طلب و تروریست و مدعیان دروغین طرفدار خلق که با دست خودشان پرده از چهره کثیف‌شان کنار زده شد و در نهایت به دامن آمریکا و اروپا پیوستند، مرقوم فرمودند: «تقریباً آرامش و سکون با عنایت پروردگار برقرار است. ملت بزرگ متعهد اسلامی لازم است با تمام توان به بازسازی و نارسایی‌هایی که لازمه هر انقلاب است

و در ایران که متکی بر قدرت لایزال حق تعالی و همت والای اقشار معظم ملت است، از سایر انقلاب‌های بزرگ ضایعاتش کمتر و دستاوردهایش بیشتر است، توجه داشته و بدون وقفه از فرصت استفاده نموده و کشور را به سوی بیشتر اسلامی شدن در تمام ابعاد آن در تمام ارگان‌های نظام جمهوری اسلامی از قوای سه گانه که اساس نظام است تا حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌ها که اساس فرهنگ

است و از قوای نظامی و انتظامی و قوای مسلح دیگر... همت گماریم...»

۳- کراً ارقامات و مسئولان کشور به دولت‌های اسلام و منطقه اعلام کردند، محتوای جمهوری اسلامی ایران بر اساس عدل اسلامی است و نسبت به آن با تمام جان متعهد است و...»

۴- متصدیان امور و شورای عالی قضایی و ستاد پیگیری کوشش کنند که با سرعت به زندان‌ها و حال زندانیان رسیدگی کرده و از کسانی که از غفوشان ضرری به جمهوری اسلامی نمی‌خورد و مستحق عفو هستند، فهرستی تهیه و عفو آنان را تسریع کنند.

۵- در این بند بسا بیان ابراز نگرانی از حوزه‌های علمیه خطاب به مدرسین محترم که خیرخواهان اسلام و کشورهای اسلامی هستند، توجه عمیق کنند که مبادا تشریفات و توجه به ساختمان‌های متعدد برای مقاصد سیاسی و اجتماعی اسلام، آنان را از مسئله اصلی و مهم حوزه‌ها که اشتغال به علوم رایج اسلامی و خصوصاً فقه و مبادی آن به طریق سنتی است، اغفال کند و...»

۶- آن مطلبی که همیشه مد نظر بوده و درباره آن پافشاری شده، حفظ وحدت کلمه و اجتناب از تفرقه است.

۷- در این بند پایانی امام راحل به دعا و استغاثه دست برمی‌دارند و دعا می‌کنند: «بارالها عنایت خود را از ما دریغ مدار و ناموس دهر و ولی عصر (ارواحنا فداه) را از ما راضی فرما و ما را از نور هدایت خود بهره‌مند نما و...» (صحیفه امام(ره)، جلد هفدهم).

خشنودی پهلوی از فقدان بزرگان دینی

مهدی سعیدی

دبیر گروه تاریخ

در فروردین سال ۱۳۴۰، «آیت‌الله بروجردی» در گذشت. مراسم تشییع او در حد خود بی سابقه بود و ایران را تکان داد. دولت نیز به ناچار و برای تظاهر به اسلامیت عزا و تعطیل عمومی اعلام داشت. ده‌ها هزار نفر از شهرهای گوناگون به قم رفتند و همین اجتماع بزرگ تبلوری از قدرت مرجعیت تشییع بود. در پایان همین سال، یعنی اسفند ۱۳۴۰ «آیت‌الله کاشانی» در گذشت. مردم از وی نیز تجلیل بی سابقه‌ای کردند تا آنجا که از تهران تا شهر ری جنازه وی را روی دست بردند و مراسم تشییع ساعت‌ها به طول انجامید و با سابقه‌ای که در تحولات سیاسی داشت، موضوع با اهمیتی تلقی شد.

تشییع جنازه مرحوم بروجردی به قدری بزرگ و پرشکوه بود که گویا سراسر ایران در قم اجتماع کرده است و بر سر و سینه خود می‌زنند و در ماتم مرجع تقلیدشان با سوز و گدازی کم نظیر عزاداری می‌کنند.

این نفوذ فوق‌العاده مرجعیت عام تشییع، هر محقق و اهل مطالعه‌ای را تحت تأثیر قرار داده و ضمناً ملت را دلگرمی می‌داد که در اثر سیاست و تدبیر ماهرانه مجتهدان بزرگ، به ویژه «آیت‌الله العظمی مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری» و «آیت‌الله العظمی مرحوم حاج آقا حسین طباطبائی بروجردی» چنین مرکزیت و

پایگاهی برای اسلام و مسلمین بنا شده که در آینده اسلام و تشییع نقش تعیین‌کننده‌ای دارد.

این پایگاه بزرگ ملت و مکتب زمانی تأسیس و تحکیم شد که «رضا شاه» مأمور سرکوبی مسلمانان و قلع و قمع پیروان سیدالشهداء و مذهب بود. او که درس‌های زیادی از آتاتورک گرفته بود، کار را به جایی رساند که حتی شب تاسوعا و عاشورا مردم مسلمان تهران را به بهانه واهی مصادف شدن با سالگرد تولد رضاخان مجبور به چراغانی کرد. اظهار ارادت به خاندان ابی‌عبدالله‌الحسین (ع) ممنوع و روضه‌خوانی‌ها تعطیل شد، عمامه به سر گذاشتن ممنوع و مظاهر و مقدمات مذهب تهدید و تخریب شد.

در چنین موقعیتی، این بزرگواران این مرکزیت را که پرچمدار مکتب و مبین حرکت عاشورا و به‌پا دارنده مقدمات مذهب است بنا گذاشتند. آنان می‌دانستند که در آن شرایط و پیش از آنکه مرکزیتی برای روحانیت تشییع باشند و به طور گسترده مردم را آگاهی بخشند، اقدام به بعضی از امور سیاسی دیگر نتیجه‌چندانی نمی‌بخشد. بنابراین، به کاری دست زدند که امروزه به نام حوزه علمیه و فیضیه بر افق‌ها می‌تابد و حرکت اسلامی مردان بزرگ، مانند مدرس و کاشانی و... را حیات دیگری می‌بخشد. خلاصه او با داشتن چنین هدفی و با اطلاع از نفوذ بیگانگان که در نتیجه ده‌ها سال مکر و حیله نفوذ زیادی در این کشور پیدا کرده‌اند و با اطلاع از عدم بینش قوی مردم و با اطلاع از کمونیست‌ها و توسعه فعالیت

دهلیز

راه حل دومی وجود ندارد

مروری بر وابستگی رژیم دیکتاتوری پهلوی به بیگانگان

باید در نواحی مرزی با شوروی واحدهای سبکی با ۳ هزار پرسنل بگذارید که بتوانند به سرعت عقب‌نشینی کنند و در جبال زاگرس هم نیروهای خود را از قبل مستقر کنید. بنابراین باید طوری طراحی شود که کل نیروهای ارتش ایران در جبال زاگرس متمرکز شود که ۴۰۰۳۰۰ کیلومتر عرض دارد. بدین ترتیب شما در مقابل شوروی سد دفاعی مستحکمی ایجاد می‌کنید و با عملیات ایذانی ارتش شوروی را متوقف می‌سازید. در این فاصله ما می‌توانیم به کمک دوستانمان در منطقه به کمک شما بیاییم و ارتش شوروی را عقب برانیم. ممکن است شاه این طرح را نپذیرد و بگوید که ارتش ایران برای دفاع است و رفتن به زاگرس چه سودی دارد؟ پاسخ ما این است که راه حل دومی وجود ندارد. اگر ارتش ایران در مقابله اولیه با تهاجم شوروی نابود شود، دیگر دفاع معنی ندارد؛ در حالی که در جبال زاگرس واقعاً می‌تواند دفاع کند و پس از رفع خطر به مواضع اولیه خود مراجعت نماید.»



آنها و حملات‌شان علیه مذهب از مداخله صریح در بعضی از امور سیاسی خودداری می‌کرد، ولی در معرفی مذهب و هویت دادن به این ملت به طور مستمر و سخت کوشش می‌کرد و برای همین منظور اقدام به تأسیس دارالتقرب و مراکز دینی و مساجد در سطح جهان مانند آلمان، و... کرد.

اما آیت‌الله کاشانی در جوانی به همراه جمعی دیگر از علما در عراق جنگ‌های چریکی به پا کرد و ضرباتی به انگلیس وارد کرد. وی به علت صدور حکم اعدام از عراق به ایران بازگشت و در دوران دیکتاتوری رضاخان از مشاهیر علما و مدرسین بود که منزل خود را مرکز تدریس قرار داد. او با استعمار مقابله و مخالفت و اعتراض شدید داشت. آیت‌الله کاشانی از طریق مخالفت با استعمار و به علت حبس و تبعیدهای مکرر به شهرت بین‌المللی رسید و تا آخر عمر با سیاست‌های بیگانه مخالفت و در راه اتحاد ملل اسلامی کار کرد.

رژیم از درگذشت مرجعیت عام شیعه خوشحال بود؛ زیرا برای رژیم بسیار دردناک بود که مجتهدان و مراجع بزرگ، مانند مرحوم آیت‌الله حائری و آیت‌الله بروجردی با تدبیر و زیرکی خاصی، مرکزیتی تأسیس کرده و مرتباً آن را تحکیم بیشتر می‌کردند که مورد احترام قاطبه ملت مسلمان کشور شده و برای رژیمی که حتی تحمل عمامه را نداشت و برای استعماری که ضربه‌های میرزای شیرازی و آشتیانی و مدرس

حافظه

جنایات لئوپولد

نگاهی به حضور استعمارگران بلژیکی در کنگو

۱۰ میلیون نفر از مردم کنگو در این دوره جان خود را از دست دادند. بسیاری از روستاها و جوامع به‌طور کامل نابود شدند و خانواده‌ها از هم پاشیدند.

۴- تخریب فرهنگ و جامعه محلی: بلژیکی‌ها ساختارهای اجتماعی و فرهنگی کنگو را نابود کردند. رهبران محلی یا کشته شدند یا از قدرت برکنار شده و سنت‌های محلی سرکوب شدند. ساختارهای اقتصادی و اجتماعی محلی جای خود را به یک سیستم استعماری دادند که تنها به استخراج منابع و سود بلژیک توجه داشت.

۵- اعتراضات بین‌المللی و پایان حکومت لئوپولد دوم: در اوایل قرن بیستم، گزارش‌هایی از جنایات بلژیکی‌ها در کنگو به گوش جهانیان رسید. فعالان حقوق بشر، از جمله «ادموند دی. مورل» و «مارک تواین»، علیه این جنایات اعتراض کردند. فشارهای بین‌المللی در نهایت به انتقال کنترل کنگو از لئوپولد دوم به دولت بلژیک در سال ۱۹۰۸ منجر شد. با این حال، وضعیت در کنگو همچنان سخت و استعماری باقی ماند.

۶- پیامدهای بلندمدت: جنایات بلژیکی‌ها در کنگو تأثیرات عمیق و طولانی مدتی بر این کشور گذاشت. کنگو پس از استقلال در سال ۱۹۶۰ با چالش‌های بزرگی مانند فقر، بی‌ثباتی سیاسی و نابرابری اجتماعی مواجه شد. میراث این جنایات هنوز در روابط بین کنگو و بلژیک احساس می‌شود و موضوع غرامت و عذرخواهی همچنان مطرح است.



جنایات بلژیکی‌ها در کنگو، که در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم رخ داد، یکی از تاریک‌ترین فصل‌های تاریخ استعمار است. این جنایات عمدتاً در دوره‌ای اتفاق افتاد که کنگو به عنوان «ایالت آزاد کنگو» تحت حاکمیت شخصی پادشاه بلژیک، «لئوپولد دوم» اداره می‌شد. در اینجا به برخی از جنایات و اقدامات وحشیانه‌ای که در این دوره رخ داد، اشاره می‌شود:

۱- کار اجباری و بهره‌کشی شدید: لئوپولد دوم کنگو را منبع درآمد شخصی خود در نظر گرفته بود و از مردم محلی به‌طور گسترده برای استخراج منابع طبیعی، مانند عاج و لاستیک (کائوچو) استفاده می‌کرد. مردم محلی مجبور بودند ساعات طولانی و تحت شرایط بسیار سخت کار کنند. اگر سهمیه‌های تعیین شده را تکمیل نمی‌کردند، مجازات‌های شدیدی، از جمله قطع عضو یا اعدام در انتظارشان بود.

۲- قطع عضو و خشونت‌های فیزیکی: یکی از جنبه‌های وحشتناک این دوره، استفاده از قطع عضو برای تنبیه بود. اگر کارگران به اندازه کافی لاستیک جمع‌آوری نمی‌کردند، دست‌ها یا پاهای آنها قطع می‌شد. این اقدامات نه تنها برای تنبیه افراد، بلکه به منزله یک ابزار ترس‌افکنی برای کنترل جمعیت محلی استفاده می‌شد.

۳- کاهش شدید جمعیت: بر اثر کار اجباری، گرسنگی، بیماری‌ها و خشونت‌های سیستماتیک، جمعیت کنگو به‌طور چشمگیری کاهش یافت. تخمین‌ها نشان می‌دهد، بین ۵ تا



محمد کریمی

کارشناس سیاسی

تأملی در اوضاع فرهنگی جامعه و رصد و پایش تحركات خصمانه دشمنان انقلاب و نظام اسلامی نشان می‌دهد، موضوع فرهنگ و خودباوری فرهنگی در رأس موضوعات کاری آنها در ساخت جنگ شناختی علیه ملت ایران اسلامی است؛ چرا که دشمنان می‌دانند انقلاب اسلامی ماهیتاً انقلابی فرهنگی بود تا نظامی، اقتصادی و سیاسی. بنابراین، راهبردشناسان آنها معتقدند باید از همین زاویه به انقلاب ضربه وارد کرد، یعنی باید فرهنگ جامعه را تغییر داد و از نو و آن طور که خودشان می‌خواهند آن را بساخت! البته اینکه دشمنان می‌گویند انقلاب اسلامی بیشتر صبغه فرهنگی دارد، غلط نیست و حقیقتاً، یکی از دستاوردهای مهم و زیربنایی انقلاب اسلامی توجه به موضوع فرهنگ، به ویژه ایجاد خودباوری فرهنگی در مردم ایران بوده است. از آنجایی که خودباوری از توسعه فرهنگی جامعه نشئت می‌گیرد و این مسئله در شکل‌گیری و هویت فرهنگی جامعه نقش مهمی را ایفا می‌کند، پرداختن به آن و همگامی کردن این اندیشه و اشاعه آن ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. برای رسیدن به خودباوری راه طولانی و پرفراز و نشیبی در پرتو انقلاب اسلامی و مبتنی بر سیره و اندیشه امام خمینی (ره) طی شده است و البته هنوز هم نیاز به تکامل این مسیر احساس می‌شود و این موضوع میسر نیست مگر با داشتن برنامه و الگوهای مناسب. دانشمندان و صاحب‌نظران هر یک از دیدگاه و آبشخور فکری خود نظریه‌هایی را مطرح و ارائه کرده‌اند؛ اما در این نوشته مختصر برآنیم که دیدگاه‌های حضرت امام خمینی (ره) را به مناسبت تقارن این ایام با روزهای گرانقدر پیروزی انقلاب اسلامی درباره خودباوری فرهنگی بررسی کنیم.

تعریف فرهنگ

درباره واژه «فرهنگ» تعاریف بسیار شده است. فرهنگ را می‌توان مجموعه‌ای از آداب و رسوم، اعتقادات، باورها و رفتارهایی دانست که مردمان در رفتارهای روزانه به کار می‌گیرند و با آن زندگی می‌کنند. در همین راستا، «رادکلیف براون» فرهنگ را «شکل‌های استاندارد شده رفتار، افکار و احساسات اعضای جامعه» می‌داند؛ اما امام خمینی (ره)

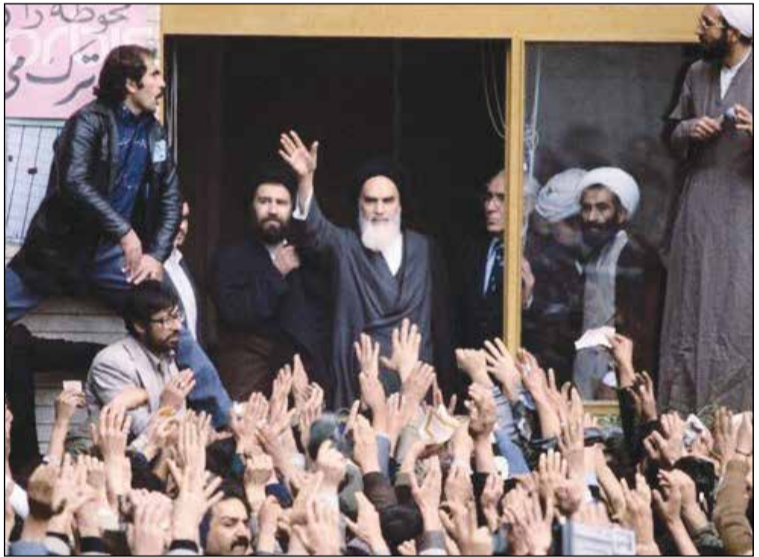
خودباوری فرهنگی در گفتمان انقلاب و سیره امام خمینی (ره)

تجدید حیات جامعه اسلامی

فرهنگ را کارخانه آدم‌سازی می‌دانند و می‌فایند: «فرهنگ یک کارخانه آدم‌سازی است» یا تأکید می‌کنند: «اگر انحرافی در فرهنگ یک کشور پیدا شود... دیری نخواهد گذشت که انحراف فرهنگی بر همه غلبه می‌کند.» حضرت امام خمینی (ره) که ریشه تمامی معضلات جامعه را در بیماری‌های فرهنگی می‌دانستند، کراراً گوشزد می‌کردند که آفات فرهنگی سموم کشنده‌ای هستند که سیاست و اقتصاد جامعه را هلاک می‌کنند. چنین بینشی ایشان را بیش از هر چیز، به آسیب‌شناسی فرهنگی در جامعه اسلامی سوق می‌داد، به همین دلیل در تمامی سخنرانی‌ها و آثارشان نوعی جهت‌گیری آگاهانه در راستای تبیین و توضیح مسائل فرهنگی، مشهود است: «فرهنگ مسموم استعمار، تا عمق قسبات و دهدات ممالک اسلامی رخنه کرده و فرهنگ قرآن را عقب زده و نوابوگان ما را فوج فوج در خدمت بیگانگان و مستعمرین در می‌آورد و هر روز با نغمه تازه، با اسامی فریبنده، جوانان ما را منحرف می‌کنند.»

خودباوری فرهنگی و انقلاب اسلامی

خودباوری فرهنگی به معنای استقلال در فرهنگ و دخالت‌نداشتن کشورهای دیگر در فرهنگ هر جامعه است. عوامل فکری، فرهنگی و ارزشی از جمله عواملی است که در انحطاط و عقب‌ماندگی کشورها نقش بسزایی دارند. برخی معتقدند در جامعه ایران،



غنی اسلام را در آینه اظهارات و تحلیل‌های رسانه‌های گروهی غرب مشاهده کرد.

خودباوری در نگاه امام خمینی (ره)

خودباوری اساس استقلال و شخصیت یک فرد و در نهایت یک جامعه را تشکیل می‌دهد. انسان تا خود را باور نکند، هرگز به استعداد و توانمندی‌های ذاتی خود اطمینان پیدا نمی‌کند و به دلیل اعتماد نداشتن به خود، جرت و جسارت دست‌یازی به کارهای عظیم را ندارد و ادامه‌زندگی و پیشرفت را تنها با تکیه بر دیگران می‌داند. اگر فرهنگ یک جامعه نتواند هویت از دست رفته و حس اعتماد و خودباوری را در دل و جان مردم خود بدمد، هیچ‌گاه هیبت و نخوت قدرت‌های بزرگ در هم شکسته نخواهد شد و وابستگی و اسارت، همواره میراث ملی و فرهنگی کشورهای ضعیف را به بیغما خواهد برد. امام راحل همواره در این باره تأکید می‌فرمودند: «فرهنگ، اساس ملت است؛ اساس ملیت یک ملت است؛ اساس استقلال یک ملت است و لهذا آنها کوشش کرده‌اند که فرهنگ ما را استعماری کنند... با تبلیغات خودشان ماها را ترسانند که از خودمان می‌ترسیدیم؛ به خودمان اعتماد نداشتیم. اگر یک کسی مریض می‌شود، می‌گویند باید بروی خارج، در صورتی که طبیب داشتیم... باید ارتش ما را خارجی‌ها اداره کنند؛ باید نفت‌مان را خارجی‌ها بیایند اداره کنند... مغزهای ما را شست و شو کردند.

اعتماد به نفس را از باین بردند.» امام خمینی (ره) در حرکت گسترده و همه‌جانبه خویش برای تجدید حیات جامعه اسلامی و قطع وابستگی‌ها و پاره کردن زنجیرهای سلطه و اسارت، درد اصلی مسلمانان را به درستی تشخیص دادند و راه چاره آن را بازگشت به هویت اسلامی دانستند و برای رسیدن به این مقصد تأکید کردند کسی که می‌خواهد به این باور برسد، باید در آغاز خودش را از آن آلودگی‌ها و آفات پاک کند و چون صفحه دل و ذهن را از آن ضعف‌ها و زنگارها زدود، باور کند که او هم انسان است و از اندیشه و تفکر برخوردار است و می‌تواند راه ترقی و تعالی را بییابد. اساس این باور را امام (ره) دو چیز معرفی می‌کنند؛ یکی رسیدن به این واقعیت که ضعف و سستی و ناتوانی تلقینی است و دیگر اینکه آن قوه و توانایی حقیقت دارد و در اعماق اندیشه و ذهن انسان‌ها نهفته است و باید با خودباوری و تلاش و همت این گنج‌های گرانبها را شناخت و گوهرهای آنها را استخراج کرد و خلاقیت را در جامعه به وجود آورد.

آفاق

نسبت مصلحت با تفکر انقلابی - ۴۶

حکومت مردمی

که می‌توانید. باور تان آمده بود که آمریکا نمی‌تواند به شما تحمیل بکند. این باور اسباب این شد که آن کار بزرگ معجزه‌آسا را شماها انجام دادید...»

از دیگر شاخصه‌های مورد تأکید امام خمینی (ره)، مردمی بودن و جدانشدنی از مردم است. این خصلت در وجود امام خمینی (ره) نیز تبلور یافته بود و لذا می‌توان آن را یکی از ویژگی‌ها و شاخص‌های تفکر و روحیه انقلابی برشمرد. در همین زمینه امام (ره) در دیدار با هیئت بحرینی به این نکته اشاره می‌کنند و می‌فرمایند: «امروز روزی است که باید حفظ کنید شما اسلام را، اسلام را باید حفظ کنید. حفظ اسلام به این است که اعمال‌تان را تعدیل کنید، با مردم رفتار خوب بکنید، برادر باشید با مردم، مردم را اینطور حساب نکنید. رژیم‌های سابق مردم را از خودشان جدا می‌دانستند. آنها در یک طرف بودند، مردم را می‌کوبیدند، مردم هم آنها را اگر می‌خواستند. امروز که مردم جدا نیستند از پاسداران اسلام، حکومت اسلام که از مردم جدا نیست... از همین مردم و از همین جمعیت است شما هم از همین مردمید، از همین جمعیتید، شما کاری نکنید که مردم از شما برترند، شما کاری بکنید که مردم به شما متوجه بشوند، کاری بکنید که مردم محبت با شما بکنند، پشتیبان شما باشند. اگر مردم پشتیبان یک حکومتی باشند، این حکومت سقوط ندارد...»

محمد رضا ملایی

پژوهشگر اندیشه سیاسی



یکی از مهم‌ترین دستاوردهای انقلاب اسلامی، ایجاد حس خودباوری و ذهنیت «ما می‌توانیم» در مردم ایران بود. همین ذهنیت و احساس، منشأ تحولات بسیار زیاد و مهمی در سطح کشور و منطقه و حتی جهان شد. یکی از نمودهای این ذهنیت، «جبهه مقاومت» است که توانست کشور قدرتمند و البته مستکبری، مانند آمریکا را در منطقه زمین‌گیر کند. به هر میزان که این احساس و در وجود اشخاص قوی‌تر باشد، روحیه و تفکر انقلابی آنها نیز بیشتر خواهد بود و به هر اندازه که این احساس تضعیف شود، تفکر و روحیه انقلابی نیز تضعیف می‌شود. طبیعی است که تفکری که معتقد است تمام جوانب توسعه باید به دست دیگران رقم بخورد، از نظر روحیه و تفکر انقلابی، فقر شدیدی دارد. نمی‌توان دیدگاهی که معتقد است حتی آب خوردن کشور باید با کمک اجانب حل شود یا ذهنیتی که معتقد است ایرانیان در حوزه صنعت، قدرت رقابت با کشورهای دیگر را ندارند، تفکر انقلابی نامید.

امام (ره) در دیدار با کارکنان صنایع نظامی کشور به مسئله خودباوری اشاره می‌کنند و می‌فرمایند: «... این پیروزی که شما به دست آوردید، برای اینکه باور تان آمده بود

تبیین

جنگ روایت‌ها و جهاد تبیین - ۱۲۴

امید نیروی حرکت است!

به «ناامیدی» و «بی‌اعتمادی» تبدیل کند. مسلماً در همین زمینه نیز باید به نقش رسانه‌ها و تبلیغات در «امیدآفرینی» توجه جدی کرد. در این توجه، آنچه اهمیت ویژه دارد، این است که امید صرفاً یک «توجه احساسی» نیست، بلکه یک «نیروی محرکه» مهم برای تقویت و توسعه تلاش، سازندگی، پیشرفت و حرکت به سوی آینده‌ای روشن است که انسان را همچنان در راه زندگی استوار و پر نشاط نگه می‌دارد. در این زمینه، اگر همه رسانه‌های انقلابی و مردمی شبکه‌وار تلاش و اهتمام خاص انجام دهند تا «تبیین درستی از پیشرفت‌های واقعی و دستاوردهای حقیقی» کشور در این ۴۶ سال را در نظر مردم خوب معرفی کنند، خود به خود با «سیاه‌نمایی‌های دشمن» و «بزرگ‌نمایی‌های مشکلات جامعه» مقابله کرده‌اند. یکی دیگر از راهکارهای بسیار مهم و اساسی در این زمینه، «گفتمان‌سازی درباره روایت‌های واقعی و الهام‌بخش» از موقفت‌ها در حوزه‌های علمی، فرهنگی، اجتماعی، دانشگاهی، مردمی و... اهمیت بسزایی دارد. متأسفانه، مسا در این زمینه بسیار ناکارآمد عمل کرده و تنها به دادن آمار اکتفا می‌کنیم که بدون روایت‌سازی صحیح نمی‌توانند تأثیرات عمیقی داشته باشند. البته در همین زمینه نباید از «ظرفیت‌های هنری» غفلت کرد. ما هنوز نتوانسته‌ایم پُلی مناسب و محکم میان «آنچه داریم» و «آنچه می‌توانیم» با جلوه‌های هنری تصویرسازی مؤثری ایجاد کنیم.

امیر قلبی‌زاده

کارشناس سیاسی

هدف قرار دادن امید مردم ایران اسلامی قطعاً یکی از برنامه‌های اصلی تبلیغات دشمنان است؛ چرا که امید موتور محرکه حرکت تولیدی جامعه است و طبیعی است زمانی که این موتور از حرکت افتاد، جامعه نیز با ایستایی مواجه خواهد شد. با توجه به بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با مردم قم به مناسبت ۱۹ دی که متذکر شدند امروز کار اصلی دستگاه‌های تبلیغاتی و فرهنگی پاره کردن «پرده توهم اقتدار دشمن» است، این سؤال مهم مطرح می‌شود که چگونه این خط امید با این حجم سنگین از تولید محتوا از سوی دشمن باید زنده بماند و چراغش خاموش نشود؟

«امید» یکی از بزرگ‌ترین و مهم‌ترین سرمایه‌های اجتماعی هر جامعه است. جامعه بدون امید، جامعه‌ای در حال احتضار است. بنابراین، توجه به موضوع امید یکی از مهم‌ترین مسائل امروز در حکمرانی شایسته و حکومت‌داری کارآمد است. هر گونه سیاه‌نمایی، دروغ‌پردازی و گفتمان‌سازی انحرافی می‌تواند تأثیرات بسیار منفی بر امید اجتماعی بگذارد و باید از این موارد به شدت دوری کرد تا جامعه‌ای زنده، پویا، امیدوار به آینده و با نشاط داشته باشیم. دشمن به خوبی این مسئله را می‌داند و به همین دلیل تلاش گسترده‌ای می‌کند که «امید» را در جامعه

سیاست نامه

سیدمحمدباقر صدر- ۳۳

تضمین اجتماعی همگانی

مسعود پورفرد

کارشناس سیاسی

وقف اندیشه سیاسی نابغه دوران ما، شهید صدر چهار مورد از راهبردها و سیاست‌های نظام اسلامی در موضوع حکمرانی تولید به بحث گذاشته‌شد؛ به‌کارگیری تمام‌امکانات تولید، رفع انحصارها در جهت استفاده حداکثری از منابع طبیعی، کوتاه‌کردن فاصله تولیدکننده تا مصرف‌کننده و بر خورد جدی با هرگونه سفته‌بازی غیرمولد، چهار موردی بود که در مطالب قبلی این ستون بررسی شد. قبل از ورود به موارد دیگری از این راهبردها و سیاست‌ها، لازم است تکمله‌ای به موضوع «برخوردد جدی با هرگونه سفته‌بازی غیرمولد» داشته باشیم. شهید صدر بر این باور است که در جامعه اسلامی، دولت از طریق یک بانک رسمی، عملیات جمع‌آوری اموال و به‌کارگیری آن را بر عهده دارد و به بخش خصوصی اجازه نمی‌دهد که وارد عرصه سودبری‌های بانکی شود. بدین‌سان، هدف توسعه‌ای این عملیات بانکی از محتوای سرمایه‌داری آن جدا می‌شود؛ چه اینکه عملیات جمع‌آوری اموال، فرآیندی اجتماعی می‌شود که حکومت به یک معنا آن را به نیابت از جانب خود صاحبان اموال، انجام می‌دهد. (صدر، ۱۳۹۳، ج، ۲۴۲)

بنابراین، بانکداری باید از قالب کسب‌وکار انتفاعی خارج شده و به سازکاری حاکمیتی در جهت منافع عمومی تبدیل شود. به عبارت دیگر، پول و سرمایه‌های نقدی باید محرک و مشوق تولید در جامعه باشد، نه اینکه خودش به‌نحوی (چه به صورت ریوی و چه به صورت خلق پول و چه به صورت بنگاهداری بانکها) به منبعی برای کسب درآمد خصوصی تبدیل شود.

وضع مالیات بر سرمایه‌های نقدی راکد و انباشت‌شده؛ علاوه بر از بین بردن زمینه‌های کسب درآمد بدون کار، مذهب اجتماعی اسلام از را کدگذاشتن دارایی‌ها و ثروت‌ها از عرصه مبادلات و فعالیت‌های اقتصادی نیز جلوگیری کرده و جرایم مالی را بر این اموال وضع کرده است. این امر از طریق وضع مالیات بر پول انباشت‌شده است. در نگاه شهیدصدر، زکات به‌نوعی مصادره تدریجی اموال انباشته شده و را کد است. (صدر، ۱۳۹۳، باب، ۲، ج، ۳۴۳)

تضمین اجتماعی همگانی؛ برخلاف نگاه‌های متعارف در نظام سرمایه‌داری که تأمین اجتماعی را موجب افزایش تبلی و کاهش انگیزه‌های کاری می‌دانند، شهیدصدر بر این باور است که تضمین سطح معقولی از زندگی برای همه افراد، موجب تحریک انگیزه‌های ریسک‌پذیری و افزایش شجاعت آنها در ورود به عرصه‌های تولید و ارتقای خلاقیت و نوآوری می‌شود؛ چون در این صورت، مردم می‌دانند که اگر در فعالیت تولیدی خود بدون تقصیر و کوتاهی زمین بخورند، تمام هستی خود را از دست نخواهند داد و دولت معیشت آنها را تضمین کرده است. (همان، ۳۴۹) در کنار این، کسانی که توان کار و فعالیت اقتصادی دارند، باید از حمایت اجتماعی محروم شوند. (همان، ۳۵۰) دولت برای تأمین مخارج لازم برای این امر می‌تواند از حق مالکانه خود از منابع طبیعی استفاده کند و عواید حاصل از واگذاری حق دسترسی و بهره‌برداری از این منابع را برای مخارج تأمین اجتماعی به کار برد. بر این اساس، ساختار تأمین اجتماعی باید به‌گونه‌ای تغییر کند که با اتکا به درآمدهای حاکمیتی از منابع طبیعی، بتواند سطح معیشت متعارفی را برای همگان فراهم کند.

فواد ایزدی، کارشناس مسائل آمریکا؛

تراмп در سخنرانی گفته «ایران نباید سلاح هسته‌ای داشته باشد. برای من این تنها چیز مهم است.» اما تراмп در دستور مکتوب خود نوشته «باید با توسعه پرشتاب موشک‌ها و دیگر قابلیت‌های تسلیحاتی نامتقارن و متعارف ایران مقابله شود» یعنی ایران تسلیحات متعارف هم نباید داشته باشد.

علیرضا تقوی نیا، فعال رسانه؛ یکی از اهداف حمله اسرائیل به غزه، تخلیه مردم از این باریکه بود تا با خیال راحت کریدور (هند-خاورمیانه-اروپا) فعال بشه. در این صورت چین یک ضربه راهبردی می خورد و موقعیت ژئوپلیتیکی بلوک غرب تقویت می شد. حالا متوجه شدید که چرا تراмп بر تخلیه غزه و کنترل آمریکا بر این باریکه تاکید داره؟

رضا حسین پور، کارشناس رسانه؛ فرزند شیطان می گوید اهالی غزه باید به جای دیگری بروند. من اجازه بازسازی غزه را نمی دهم، من جنم به پا خواهم کرد، فلان کشور باید به ایالت‌های من اضافه شود، خلیج مکزیک خلیج آمریکا است و در آخر جنایتکار جنگی را در «کاخ سیاه» نوازش می کند. بشناسیم گوشه ای از خوی ضدبشری استکبار را.

حمید دهقانی دیپلمات وزارت خارجه؛ ۷۸۴ میلیون دلار هزینه سفارت آمریکا در سونان جنوبی در سال ۲۰۲۳؛ ما با کجا طرفیم! مبلغ مهم است، افشای آن نیز... **مهدی محمدی، مشاور رئیس مجلس؛** در امور راهبردی؛ در مقابل تراмп قوی بودن تا حد زیادی به زیرک بودن است.

حسن عابدینی، کارشناس رسانه؛ آمریکا ۲۲ ساله ایران را با جنجال سازی به تلاش برای انحراف از دانش صلح آمیز هسته‌ای متهم می کند اما تهران قصدی در این زمینه ندارد زیرا: ۱- رهبری فتوای حرمت استفاده از سلاح هسته‌ای داده است. ۲- بمب اتمی در دکتترین دفاعی ایران جایی ندارد. ۳- سلاح اتمی دیگر نقش بازدارندگی ندارد.

عبدالله گنجی، فعال رسانه؛ تراмп بعد از دیدار با نتانیاهو برای اثبات حسن نیت خود؛ برای مذاکره با ایران، فرمان حداکثری فشار بر ایران را امضا کرد. در عین حال گفت آماده مذاکره است. مذاکره زیر فشار با سیاست هویج و چماق را قبلاً هم تمرین کرده است.

قربانعلی صلواتیان، کارشناس رسانه؛ رئوس سخنان تراмп در همین شروع ریاست جمهوری؛ لزوم الحاق کانادا، گروئلند و کاتال پاناما به آمریکا، تغییر نام خلیج مکزیک، کوچاندن ساکنان غزه به اردن و مصر. اعلام ترک سوریه و پس گرفتن آن حرف، راه اندازی مجدد گوتانامو برای ۳۰ هزار مهاجر ساکن آمریکا و... جهان با یک خود شیفته خطرناک روبروست.

مجتبی امانی سفیر ایران در لیبان؛ وقتی انقلاب اسلامی ایران به پیروزی رسید، در ابتدای دوره جوانی خود بودم. از همان روزهای اول، بلندگوهای آمریکایی و صهیونیستی ادعا می کردند که این نظام در روزها، هفته‌ها و حداکثر تا شش ماه آینده سقوط خواهد کرد، اما جمهوری اسلامی ایران به ۴۶مین سال خود رسید.

احمد نادری، نماینده مجلس؛ تجربه موسسات مالی غیرمجاز و پیش فروش‌های متقلبانه نباید تکرار شود. بعضی از روش‌های معاملات طلا که تحت عناوین مختلف ولی با ماهیت مشابه در حال انجام است، شکل جدیدی از پانزی گیم هستند. برخی بجای تنظیم گری، مشغول بستر سازی شبه قانونی برای سو استفاده از مردم و تاراج سرمایه‌های آنان‌اند.

نهنگی که آمریکا را بلعید!



که در گذشته یکی از مهم‌ترین دارایی‌های آمریکا در رقابت‌های بین‌المللی بود، به دلیل ظهور دیپسیک و فناوری‌های مشابه به شدت تحت فشار قرار گرفته است. در چند سال اخیر، آمریکا به طور قابل توجهی شاهد کاهش اعتماد به هوش مصنوعی بومی خود بوده است، زیرا بسیاری از کشورها به ویژه چین با سرعت بالا در حال پیشرفت در این حوزه هستند. از دست دادن مزیت رقابتی در این زمینه سبب کاهش ارزش اقتصادی برخی از پروژه‌های بزرگ هوش مصنوعی در آمریکا شده و نگرانی‌هایی را درباره کاهش نوآوری‌های آینده به وجود آورده است.

در این میان، ایران به منزله یکی از کشورهایی که تحت تحریم‌های گسترده آمریکا قرار دارد، می‌تواند از فرصت‌های ایجاد شده در فناوری دیپسیک به خوبی بهره‌برداری کند. این فناوری نه تنها ایران را شامل تحریم نکرده، بلکه با توجه به پیچیدگی‌های ساختاری آن، فرصت استفاده از داده‌های پردازش شده و توانایی‌های پیشرفته هوش مصنوعی را برای کشور فراهم کرده است. ایران می‌تواند از دیپسیک در حوزه‌های گوناگونی همچون دفاع سایبری، تبلیغات هوشمند و حتی بهبود زیرساخت‌های اطلاعاتی استفاده کند. از سوی دیگر، ایالات متحده در حال توسعه ابزارهای جدیدی برای مقابله با تهدیدهای دیپسیک است. پنتاگون و دیگر نهادهای اطلاعاتی آمریکا پروژه‌های ویژه‌ای را آغاز کرده‌اند که شامل

می‌کند، سرعت بالای پردازش و قدرت یادگیری بی‌نظیر آن است که به راحتی می‌تواند سناریوهای پیچیده‌ای را برای تأثیرگذاری بر افکار عمومی و حتی مقامات تصمیم‌گیر طراحی کند. یکی از بزرگ‌ترین مشکلاتی که دیپسیک برای ایالات متحده ایجاد کرده، استفاده احتمالی از این فناوری در عملیات‌های جنگ اطلاعاتی و سایبری است. مقامات آمریکایی معتقدند، چین می‌تواند از دیپسیک برای تغییر محتوای رسانه‌ای، دست‌کاری افکار عمومی و حتی ایجاد بی‌ثباتی سیاسی در کشورهایی که هدف قرار می‌دهد، استفاده کند. به‌ویژه در آستانه انتخابات و تصمیمات حساس سیاسی، این فناوری می‌تواند با انتشار اطلاعات گمراه‌کننده و ویدئوهای جعلی، مسیر نتایج را تحت تأثیر قرار دهد. در سال‌های اخیر، نمونه‌هایی از استفاده از فناوری‌های مشابه برای ایجاد تفرقه و بی‌اعتمادی اجتماعی در غرب مشاهده شده است. با این حال، دیپسیک به دلیل قابلیت‌های فراتر از «دپ فیک» به تهدیدی چندلایه تبدیل شده که می‌تواند امنیت ملی و اطلاعاتی آمریکا را به چالش بکشد. برای نمونه، سناریوهایی مطرح شده‌اند که در آن دیپسیک از طریق ایجاد گزارش‌های جعلی درباره مقامات بلندپایه یا انتشار اخبار نادرست درباره حملات سایبری، وضعیت بحرانی برای آمریکا ایجاد کرده است.

همچنین، ارزش فناوری‌های هوش مصنوعی

پوریا یاسینی
کارشناس رسانه

«دیپسیک» در هفته‌های اخیر، یکی از جنجالی‌ترین کاربردهای هوش مصنوعی، ظهور فناوری پیشرفته چینی به نام (DeepSeek) بوده است. این فناوری به منزله یکی از پیشرفته‌ترین سیستم‌های یادگیری عمیق دنیا شناخته می‌شود که قابلیت‌های پیچیده‌ای در زمینه تحلیل داده، شناسایی الگوها، تولید محتوا و حتی دست‌کاری اطلاعات دارد. برخلاف بسیاری از فناوری‌های دیگر، دیپسیک از زمان معرفی خود به شدت مورد توجه محافل سیاسی، امنیتی و رسانه‌ای در غرب، به‌ویژه ایالات متحده قرار گرفته است. به دلیل اینکه این هوش مصنوعی عمدتاً از سوی چین توسعه یافته و مدیریت می‌شود، نگرانی‌ها درباره اهداف و پیامدهای آن به سرعت گسترش یافته است. دیپسیک توانایی تحلیل و پردازش سریع حجم عظیمی از داده‌ها را دارد و می‌تواند محتوای کاملاً سفارشی و حتی جعلی تولید کند. این فناوری با بهره‌گیری از الگوریتم‌های هوش مصنوعی پیشرفته، قادر است چهره‌های سیاسی را شبیه‌سازی کند، گفتارهای جعلی ایجاد کند و حتی رفتارهای دیجیتال افراد را با دقت بالایی تقلید کند. آنچه دیپسیک را متمایز

گزارش

آینده ارزش‌های دیجیتال

آیا بازار پس از رکود اخیر احیا خواهد شد؟

صورت کاهش تنش‌های ژئوپلیتیک و توقف سیاست‌های انقباضی در غرب، بازار می‌تواند در میان‌مدت شاهد بازگشت آرام قیمت‌ها باشد. از سوی دیگر، بهبود اعتماد عمومی به صرافی‌ها و ارتقای امنیت شبکه‌های بلاک‌چین از عوامل کلیدی است که می‌تواند به بهبود وضعیت بازار کمک کند. در مجموع، به نظر می‌رسد وضعیت فعلی بازار ارزش‌های دیجیتال بیش از هر زمان دیگری نیازمند احتیاط و تحلیل دقیق است. سرمایه‌گذاران باید با رصد مداوم اخبار و تحلیل‌های بازار، تصمیمات آگاهانه‌تری اتخاذ کنند.

خارج کنند. افزون بر این، گزارش‌هایی مبنی بر افزایش نظارت‌های قانونی و وضع مقررات سختگیرانه‌تر در کشورهای گوناگون از جمله آمریکا، به بی‌ثباتی بیشتر بازار دامن زده است. در ایران نیز این موضوع بازتاب گسترده‌ای داشته است و بسیاری از کاربران در شبکه‌های اجتماعی درباره فرصت‌ها و خطرهای این بازار صحبت می‌کنند. برخی معتقدند، این کاهش قیمت می‌تواند بهترین زمان برای خرید و سرمایه‌گذاری باشد، در حالی که برخی دیگر همچنان نسبت به آینده بازار بدبین هستند. اما پیش‌بینی حرکت‌های بعدی بازار چندان ساده نیست. بسیاری از تحلیلگران معتقدند، در

یکی از اصلی‌ترین عوامل کاهش قیمت ارزش‌های دیجیتال، افزایش میزان بهره در ایالات متحده و سیاست‌های انقباضی فدرال رزرو بوده است. با افزایش میزان بهره، بسیاری از سرمایه‌گذاران ترجیح دادند، دارایی‌های پرریسک، مانند بیت‌کوین و دیگر ارزش‌های دیجیتال را به فروش رسانند و به سمت دارایی‌های امن‌تر حرکت کنند. این تصمیم سبب کاهش شدید تقاضا و در نتیجه افت قیمت‌ها شد.

این حوادث موجب شده است بسیاری از افراد، نگران امنیت دارایی‌های خود باشند و سرمایه‌های خود را از بازار ارزش‌های دیجیتال

گروه مجازستان

صبح صادق

در چند وقت اخیر، فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی پر از بحث و تحلیل‌های گوناگون درباره سقوط قیمت ارزش‌های دیجیتال شده است. این موضوع نه تنها میان سرمایه‌گذاران کوچک، بلکه در محافل تخصصی و خبری نیز مورد توجه قرار گرفته و به یکی از داغ‌ترین موضوعات بازار مالی تبدیل شده است. بسیاری از کارشناسان معتقدند، این رکود می‌تواند به دلایل چندجانبه‌ای مرتبط باشد که بررسی آنها برای پیش‌بینی آینده ضروری است.

خبر خوب

زانوی مصنوعی

انحصار شکنی یک شرکت ایرانی



مدیرعامل یک شرکت دانش‌بنیان، از تولید مفصل زانوی هیدرولیکی IR۶۰ خبر داد که با قیمتی مقرون به صرفه، تحرک و فعالیت‌های روزمره افراد با قطع عضو زانو را تسهیل می‌کند. این در حالی است که قیمت نمونه‌های خارجی این محصول دو تا سه برابر بیشتر است. این مفصل می‌تواند برای همه افراد، از جمله کودکان

تا افراد که نیاز به ثبات زیاد در ایستادن دارند، مورد استفاده قرار گیرد. محققان این پروژه با اشاره به جنس آلومینیوم گرید نظامی و وزن سبک محصول می‌گویند سبکی مفصل، مزیت رقابتی اصلی محصول ما نسبت به سایر مفصل موجود در بازار است.

پژواک

سقوط بزرگ

بازار ارز دیجیتال به کدام سمت می‌رود؟



در نوسانات اخیر بازار ارزش‌های دیجیتال، بیش از ۲/۲ میلیارد دلار سرمایه در معاملات اهرمی لیکوئید شده است. این رویداد پس از کاهش شدید قیمت «بیت‌کوین» و «اتریوم» رخ داد که به سقوط پوزیشن‌های معاملاتی در صرافی‌های بزرگ انجامید. بزرگ‌ترین لیکوئید به ارزش ۴/۰۹ میلیون دلار

در صرافی OKex ثبت شد. کارشناسان افزایش میزان بهره و بی‌اعتمادی به بازار را از دلایل اصلی این بحران می‌دانند. معامله‌گران به مدیریت ریسک و کاهش معاملات اهرمی در وضعیت بی‌ثبات کنونی، توصیه می‌شوند.

نرم افزار

پارمیس همراه

حسابداری شخصی داشته باشید



حسابدار شخصی پارمیس همراه، ابزاری کاربردی برای ثبت هزینه‌ها و درآمدها و مانده حساب‌های بانکی و صندوق‌هاست. با این برنامه می‌توانید چک‌های خود را نیز مدیریت کنید. از دیگر ویژگی‌های جالب این برنامه می‌توان به قابلیت‌های مدیریت وام و اقساط اشاره کرد. پارمیس همراه امکان تعریف انواع حساب‌ها را در اختیار

کاربر قرار می‌دهد و می‌توان مخاطبان گوشی را نیز در آن تعریف کرد. یکی دیگر از قابلیت‌های جالب این برنامه، امکان مدیریت درآمدها و هزینه‌های اعضای خانواده است. به این ترتیب، می‌توانید روی ورودی‌ها و خروجی‌های درآمدی و هزینه‌های خود به‌دقت نظارت کنید.

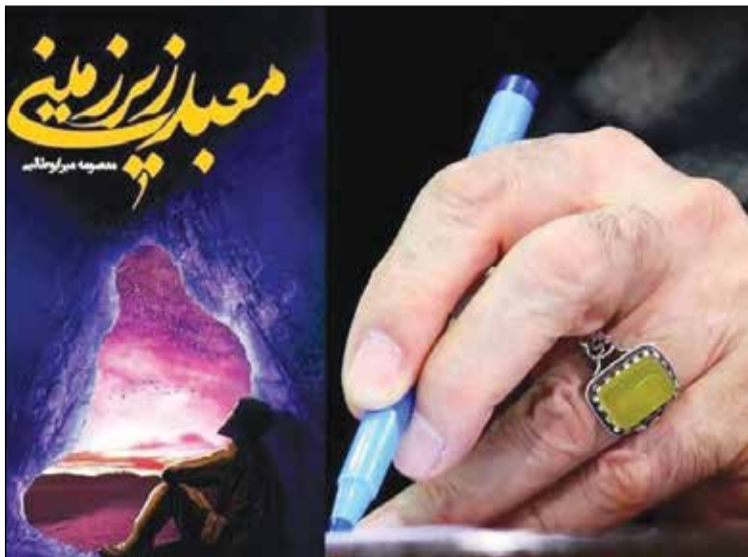
مقنی‌های رکن آباد در معبد زیرزمینی

روایت کتابی که به تازگی تقریظ رهبری را گرفته و داستانی شیرین از ناگفته‌های جبهه دارد

از مادر به دستش می‌رسد و خبر می‌دهد، قرار است برای دختر داییش صدیقه خواستگار بیاید. حالا الیاس با افکار در هم و برهم ذهنش هم دست به گریبان است. از طرفی دل در گرو صدیقه دارد و از طرفی ماجرای ازدواج با او را تمام شده می‌بیند؛ چون به رسم روستا خواستگاری، یعنی ازدواج. مکالمه‌های حاجی و الیاس در کانال شکل دیگری می‌گیرد. حاجی هم از ماجرای علاقه الیاس به دختر داییش با خبر می‌شود. همه داستان بعد از این داخل سنگر مقنی‌ها می‌گذرد، خنده‌ها و ناراحتی‌ها، زخمی شدن‌ها، حرف‌های حاجی و دیگر بازیگران داستان. «حالا وقت این بود که من را دلیر و شجاع بدانند؟ چه فایده؟ کار از کار گذشته بود. من آمده بودم که در چشم دایی بشوم به داماد و حالا برای احمد شده بودم قهرمان. عجب دنیایی شده. نفس عمیق کشیدم و بسوی دودی که باد به طرفم آورده بودم را دادم توی سینه. مادر همیشه می‌گفت دنیا گرد است. می‌گردد و نمی‌دانی فردا چه می‌شود. فکرت را نمی‌کردم یک روزی احمد حسرت من را بخورد و من حسرت اینکه صدیقه از دستم رفته. نامه را تا کردم و گذاشتم توی جیبم. به قول حاجی، گاری زندگی داشت می‌رفت و من نباید از آن جا می‌ماندم. حتی اگر گاری توی سنگلاخ هم می‌افتاد، من باید سوارش می‌ماندم. کلنگم را از جلوی سنگر برداشتم و پیش بقیه رفتم.»

کار مقنی‌ها تصام می‌شود، کانال برای یک عملیات مشترک بین سپاه و ارتش آماده می‌شود و کانال، کانال اتصال پیروزی در این عملیات می‌شود. حالا کانالی که مقنی‌ها کنده بودند، می‌شود مرکز جهان، انگار جایی مهم‌تر از اینجا نیست و دنیا وصل به کانال شده است.

داستان مقنی‌های رکن آباد ماجرای گروهی از مردان خداست که از خاک جبهه، پلی به آسمان باز کردند. داستان معبدی زیرزمینی است که «معصومه میرطالبی» به خوبی آن را به قلم آورده و به زیبایی آراسته است. جالب آنکه رکن آباد فقط به مقنی‌های کاربردش معروف نیست، این روستای کویری یکی از مناطقی است که بیشترین شهید را دارد. بسیاری از مقنی‌ها رزمنده شدند و در جبهه به شهادت رسیدند، انگار نام مقنی‌ها به نام خاک گره خورده، جایی که تیشه‌های‌شان در زمین‌های خشک یزد به آب می‌رسد و آنجایی که در جبهه راهی از دل‌شان به آسمان باز می‌کند.



همانجا، جلوتر سیم خاردارها را دیدیم. لباس را از توی ساک کشیدم بیرون که یک دفعه همراش عکس پدر هم بیرون افتاد. خم شدم عکس را بردارم، اما باد آن را با خودش برد به طرف سیم خاردارها. چند قدمی جلو رفتم که صدای فریادی بلند شد. یکی بین سه دیواره نصف و نیمه دستشویی ایستاده بود. نرو اونجا مینه! سر جایم میخکوب شدم. عکس از رشته اول سیم خاردارها رد شده بود و به رشته‌های بعدی گیر کرده بود.»

از تقریباً میانه‌های کتاب الیاس می‌فهمد که قرار نیست فقط چند شهید پیدا کنند و برگردند. حضور آنها در جبهه مهم‌تر از اینهاست. باید خط مقدم سنگر بزنند، درست در تیررس گلوله و خمپاره دشمن. «- اینجا جایبه که ما باید کارمون رو شروع کنیم. آب دهانم را قورت دادم و چند سانتی متر خودم را عقب کشیدم. من قرار نبود بروم جنگ، فقط می‌خواستم خودی نشان دهم. کاش می‌توانستم جلوی همه، دست‌های حاجی را بگیرم و بگویم تورا به خدا قسم! من یکی را برگردان. من غلط کردم. یک جور دیگر دل صدیقه را به دست می‌آورم. اصلاً بگذار دایی تا آخر عمرش برود و باید و به من بگوید بی‌عرضه. نمی‌خواهم اینجا وسط این بیابان که اصلاً نمی‌دانم کجاست، بپریم.»

◆ **کانال خاکی و دل عاشق زمینی**
الیاس در جبهه، در آن چاله‌های عمیق کانال، تنها با بیل و کلنگ و خاک سر کار ندارد. نامه‌ای

قهرمان داستان، پسر جوانی که زیر بال و پر داییش مقنی‌گری را یاد گرفته و البته عنوان بی‌عرضگی را هم همین دایی به او داده است، چرا که به هر کاری دست می‌زند، محال بود دسته‌گلی به آب ندهد. حاجی غلام‌حسین و رکن‌آباد؛ اسامی دیگری است که زیاد در کتاب می‌بینیم، حاجی غلام‌حسین رابط مقنی‌ها با جبهه است، کسی که گوهر وجود آدم‌ها را می‌شناسد، از کار مقنی‌ها با خبر است و می‌داند که چقدر کارشان به درد جبهه می‌خورد. او پای الیاس و بقیه مقنی‌های معروف رکن‌آباد یزد را به جبهه باز می‌کند، جایی که گوهر وجود و دست‌های توانگر مقنی‌ها حماسه‌ای بی‌نظیر را رشادت و شجاعت خلق می‌کنند. الیاس، اما تنها نماینده روستای کمال آباد و قهرمان روستاست که کم کم بر چسب بی‌عرضگی را از روی خودش پاک می‌کند، جبهه‌جایی است که او خودش را پیدا می‌کند.

اولین مواجهه الیاس از جنگ، خون و شهدا و زخمی‌ها در پادگان اندیمشک بود. در یک حمله هوایی که سرش زخمی شد، اما بیشتر روحش از دیدن حجم زیادی از خون و آتش کپ کرده بود و قرار نداشت، هم ترسیده بود و هم نمی‌خواست پا پس بکشد، جبهه تنها جایی بود که باید عرضه‌اش را نشان می‌داد.

ماجرای الیاس نخ تسمیح داستان است؛ اما در هر بخش هم نکته کوچکی دل خواننده را می‌لرزاند، مثل سکانس‌هایی از فیلم که نکته و خلق هنری دارند. «راهم را کچ کردم و پشت دستشویی پیچیدم سمت تپه‌ای تا لباسم را ببندازم

فاطمه ساداتی

خبرنگار

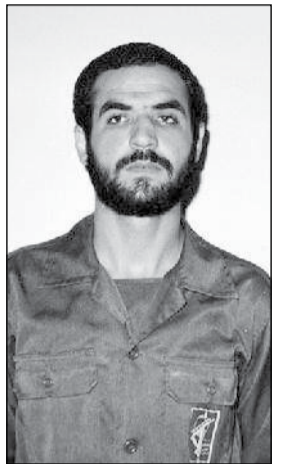
بیش از چهار دهه شنیدن و خواندن و گفتن از واقعه‌ای که ارمانش بزرگ شدن یک شبه مردان کوچک و اندوخته بی‌نهایت از ارزش‌ها و باورها و اعتقادات است، زمان کمی نیست؛ اما دفاع مقدس هشت ساله مردم ایران یک جنگ معمولی بین دو کشور نبود، رخدادی که رهبر معظم انقلاب آن را گنج نامیده، اتفاقات کوچک و بزرگی را در خود جای داده است که جا دارد تا سالیان سال از آن نوشت و خواند و هنر تولید کرد. هنوز هم بیکرهای شهدا پس از سال‌ها گمنامی باز می‌گردد و هنوز قصه‌های زیاد روایت نشده‌ای در سینه رزمنده‌ها و جبهه‌رفته‌ها ننگته مانده است که گوشه‌ای نادیده از آن دوران را یادآوری کند. این، یعنی دفاع مقدس تا ده‌ها سال حرف برای گفتن دارد.

حجم اتفاقات و ماجراهایی که همراه با درس‌های بزرگ فردی و اجتماعی بوده، آنقدر زیاد است که اگر هزاران کتاب و فیلم و نمایشنامه و... تولید شود، کم است. این را می‌توان در تولید کتاب و فیلم‌هایی دید که کمتر در بین آن آثار مشابه دیده می‌شود و هرچه زمان می‌گذرد و بر تعداد آثار افزوده می‌شود، باز هم سوژه جذاب و نشنیبه و داستان جذابی هست که با پرداختن درست آن شگفتانه‌ای از دفاع هشت ساله برای مردم رو شود. نمونه یکی از سوژه‌های جذاب دفاع مقدسی را می‌توان در کتابی که این روزها به تقریظ رهبری رسیده، مشاهده کرد. داستانی درباره نقش گروه‌های گوناگون در جنگ شنیده می‌شود که مصداق‌ی از حضور همه مردم در صحنه دفاع مقدس است. کتاب «معبد زیرزمینی» ماجرای مقنی‌هایی است که پای‌شان برای انجام یک عملیات سری و زدن خاکریزی در خط مقدم جنگ به جبهه باز می‌شود، همراه با ماجرای جالب پسرپی که سردرگم در زندگی راهش به جبهه می‌افتد، همراه با مقنی‌ها و برای رسیدن به یک عشق زمینی، برای اینکه با جبهه رفتن خودی به دختر مورد علاقه‌اش نشان دهد و جریزه‌اش را به رخ او بکشد. او در راهی می‌افتد که خودش هم از انتهای آن بی‌خبر است و داستان ما را با ماجرای مقنی‌ها و پسر جوان همراه می‌کند.

◆ جایی که معبدها

راه به سوی آسمان باز می‌کنند

ماجرا از بی‌عرضگی الیاس شروع می‌شود.



یکم شهریور سال ۱۳۳۹

خداوند به آقا سیدجلال حسینی یک پسر دیگر عطا کرد، اسم او را «احمد» گذاشتند؛ سید احمد فرزند دوم خانواده بود. چند سالی را در همان روستای امامزاده قاسم از توابع الیگودرز سپری کردند و بعد به اراک آمدند.

دوران تحصیل خود را تا مقطع دبیرستان در ابراهیم‌آباد و اراک به پایان رساند. درسش را تا پایان تحصیلات ابتدایی خواند و ۱۵ ساله بود که مادرش را از دست داد و سرپرستی آنها را خانم برادرش برعهده گرفت.

ازدواج نکرد و خیاطی را حرفه خود قرار داد و با توجه به علاقه‌اش به فعالیت‌های مذهبی، عضو شورای مسجد شد. سال ۱۳۵۹ بود که به عنوان متصدی خدمات عمومی به استخدام آموزش و پرورش درآمد. در طول فعالیتش در مدارس رفتار و خاطرات خوبی از خود به یادگار گذاشت و مهربانی در سیمایش موج می‌زد.

احمد در بهمن ماه سال ۱۳۵۹ با عده‌ای از دوستان خود به خدمت مقدس سربازی رفت و سپس به تپ مستقل ۸۴ خرم‌آباد منتقل شد. او از آنجا به جبهه دشت عباس رفت. با تشکیل لشکر مهندسی ۴۲ قدر، احمد با حفظ مسئولیت در قرارگاه مهندسی کربلا، مسئولیت معاون فرماندهی لشکر را نیز به عهده گرفت.

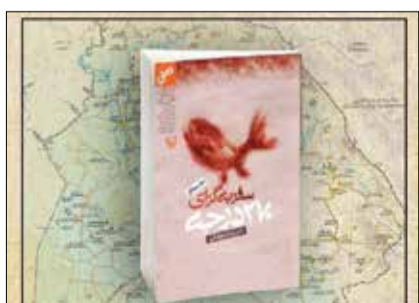
او از علایق دنیوی گذشت با وجود سه فرزند قدم در راهی گذاشت که می‌دانست به لقاءالله می‌رسد، او می‌گفت وقتی فرزندانم مادر بالای سرشان است و از آنها مراقبت می‌کنند، پس من وظیفه دارم به جبهه بروم تا از دین و ناموس و وطنم دفاع کنم. وی در عملیات کربلای ۵ در اسفند ۱۳۶۵ در شلمچه به شهادت رسید.

همسر شهید تعریف می‌کرد: «سیداحمد انسان بسیار متعهده بود و دوست نداشت حق کسی را ضایع کند، زندگی و کارش برایش فرقی نداشت و می‌گفت، اگر حق کسی را ضایع کنم چگونه در آخرت پاسنکو باشم. همیشه می‌گفت، بدانید راهی که انقلاب اسلامی ما به رهبری امام خمینی (ره) می‌رود، حق است و انسان را به سوی الهه هدایت می‌کند. حرف همیشه‌اش این بود وقتی فرزندانم مادر بالای سرشان است و از آنها مراقبت می‌کنند، پس من وظیفه دارم به جبهه بروم تا از دین و ناموس و وطنم دفاع کنم.»

◆ سنگر کتاب

گرای ۲۷۰ درجه

«سفر به گرای ۲۷۰ درجه» داستان رزمنده جوانی به نام «ناصر» است. ناصر بارها امتحان و درس و مشق را زها می‌کند و به همراه دوستش علی به جبهه می‌رود. ناصر به همراه دوستانش در این عملیات حاضر می‌شوند و در نهایت مجروح می‌شود. به دلیل این جراحت مجبور می‌شود به شهر و دیار خودش بازگردد و زندگی عادی را از سر گیرد. این کتاب دفاع مقدس اولین بار در سال ۱۳۷۵ منتشر شد. در همان سال «احمد دهقان» نویسنده این کتاب، جایزه بیست سال داستان‌نویسی و جایزه چهارمین دوره انتخاب کتاب سال دفاع مقدس و جایزه بیست سال ادبیات پایداری را گرفت.



◆ دیده بان خبر

تجلیل از جانبازان

آیین تکریم و تجلیل از جانبازان قطع نخاعی آسیابشگاه بقیه‌الله (عج)، به مناسبت روز جانباز با حضور جمعی از خواهران شهدا و مسئولان بنیاد شهید و امور ایثارگران برگزار خواهد شد. شپروی در این آیین گفت: «قدردان جانبازان عزیز هستیم، ما تا ابد خود را مدیون جانبازان می‌دانیم و در حقیقت جانبازان راهی جلوتر از شهدا در پیش گرفتند.» در این دیدار خواهر شهیدان قریشی (چهار شهید پاسدار)، شهید علی‌اکبر شپروی، شهید محمدحسین اوحدی، شهیدان مهدی و مجید زین‌الدین، شهید ابراهیم هادی، شهیدان اعلمی و جمع دیگری از همسران، فرزندان و خواهران شهدا روز جانباز را به جانبازان تبریک گفتند.



◆ کوله بار خاطره

زندگی با طعم سادگی

غاده جابر، همسر شهید چمران در باره زندگی با شهید چمران می‌گوید: همه جا مصطفی سسی می‌کرد خودش کمتر از دیگران داشته باشد، چه لبنان، چه کردستان، چه اهواز. لبنان که بودیم جز وسایل شخصی خودم چیزی نداشتیم. در ایران هم چیزی نداشتیم. زیرزمین دفتر نخست‌وزیری را هم که مال مستخدم‌ها بود به اصرار من گرفت. قبل از این که من بیایم ایران، در دفترش می‌خوابید. مصطفی حتی حقوقش را می‌داد به بچه‌ها. می‌گفت «دوست دارم از دنیا بروم و هیچ نداشته باشم جز چند متر قبر و اگر این را هم یک جور نداشته باشم، بهتر است.»



صداقت

هفته نامه

سیاسی، فرهنگی و اجتماعی

صاحب امتیاز
معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه

مدیرمسئول: بدالله جوانی
سرمدیر: علی حیدری

شورای سیاست گذاری:

سیمکاباقری، سعدالله زارعی،
عزیز غزنفری، فرهاد مهدوی، مهدی سعیدی،
فتح الله پریشان، علی قاسمی، حسین عبداللهی فر
دبیر تحریریه: سیدفخرالدین موسوی
مدیر فنی: محمد صالح نادری
نگارش و ویرایش: محیوبه حاجی آقایی
صفحه‌آرایی: علی اکبر هدایتی
عکاس: حامد گودرزی
ناظر چاپ: سعید قاسمی

چاپ: مرکز چاپ سپاه: ۰۲۱)۳۸۵۲۲۴۴۶
تلفن: ۰۱۱۰ و ۷۷۴۶۰۱۰۰ (۰۲۱)
basirat.ir
@ssweekly
نمبر: ۷۷۴۸۸۴۶۰۳۳
سامانه پیامک: ۳۰۰۹۹۰۰۳۳

شماره ۱۱۷۷ | دوشنبه ۲۲ بهمن ۱۴۰۳

کتیبه



نور علی نور

برای ما نگاهت آفتاب است
چراغان کردن دنیا ثواب است
دعا کردم بیایی زیر باران
دعا در زیر باران مستجاب است
بیا تا موج دریا را ببینیم
تماشا را تماشا را ببینیم
نگاهی کن به ما تا در نگاهت
شگفتی های دنیا را ببینیم
تورا حس کرده ایم ای نور مستور
که می تابد به ما گر مایت از دور
اگر در نیمه شعبان بیایی
جهانم می شود نور علی نور
دل ما شد پریشان در هوایت
هو خواه نسیم سامرایت
به پا خیز ای شکوه آفرینش
که بر خیزد همه عالم به پایت
یقین دارم که باران خواهد آمد
به استقبال چشمت باید آمد
خوش آن روزی که از دیوار کعبه
ندا آید که مهدی آمد آمد

سید حمید رضا برقی

سرای امید

آسمان گرفتار رنگ خدا
از زمینت دمیده بوی شهید
گرچه زیباست صورتت چون ماه
بر دلت داغ هاست چون خورشید

مردمت عاشق اندل عاشق تو
عاشقان سهند و الوندنت
خون به پای می کنند روزی اگر
کم شود سنگی از دماوندنت

پای عشقت همیشه سرداران
جان خود کرده اند ارزانی
آرش و اردشیر و رستم و سام
همت و صوفی و سلیمانانی

سردی روزگار مانا نیست
آنچه گرم است تا باید دم توست
بادها می روند و می آیند
آنچه پاینده است پرچم توست

آسمان گرفتار رنگ خدا
از زمینت دمیده بوی شهید
آه! ای مرز پر گهر! ایران!
آه! ایران من! سرای امید

علیرضا نورعلیپور

صبحانه

کلید کارها به دست خداست

خوشبختی یعنی واقف بودن به اینکه هر چه داریم از رحمت خداست و هر چه نداریم از حکمت خدا؛ احساس خوشبختی یعنی همین! خوشبختی رسیدن به خواسته‌ها نیست، بلکه لذت بردن از داشته‌هاست. غمگین نباشید! چرا که خوشبخت بودن می‌تواند از درون تلخ‌ترین روزهای زندگی شما زاده شود. خدا قفل بی کلید نمی‌سازد؛ امکان ندارد مشکلی که برایت پیش آمده راه حل نداشته باشد. کارهای خدا حساب شده است.

داستان

نگاه

کوچه گذشت و به سرعت سوار ماشین شد. انگار می‌خواست از این فکرها فرار کند. غروب که به خانه برمی‌گشت، خسته‌تر از همیشه بود. باز هم فراموش کرده بود برای دستگاه کنترل قند خون، نوار تست پیدا کند. از این زندگی پر از دغدغه خسته شده بود. از همه چیز عصبانی بود. ماشین را طبق معمول سر کوچه پارک کرد و به سمت خانه راهی شد. همه‌جا به طرز زیبایی چراغانی شده بود. نورهای رنگارنگ، جا عوض می‌کردند و کوچه می‌درخشید. جلوی در خانه عماد، میز و صندلی چیده بودند. بوی اسفند و چای تازه دم در فضا پیچیده بود. پسر کوچک عماد شیرینی پخش می‌کرد و صدای سرود شادی از بلندگوها پخش می‌شد. یک آن از این همه شادی و هیجان، عصبانی شد. چطور عماد آن تلخی‌ها را فراموش کرده بود؟ چطور آن همه زخم‌زبان را که از گوشه و کنار به او می‌رساندند، تحمل می‌کرد؟ اصلاً با آن همه خرج و مشکلات درمانی دخترش، چطور هر سال این بساط را پهن می‌کرد و خنده‌کنان مردم را به خوردن شیرینی و چای دعوت می‌کرد؟ اگر قرار بسود حاجتش را بدهند که درمان دخترش نباید اینقدر طول می‌کشید. با خودش گفت: «این مردم کی می‌خوان آدم

م. موسوی

نویسنده



بی حوصله و تلخ از خانه بیرون زد. دستگاه کنترل قند خون مادر خراب شده بود. توی شلوغی این روزها حوصله زیر و رو کردن داروخانه‌ها را نداشت. در راه که بست، عماد، همبازی نوجوانی‌اش را دید که روی پشت‌بام مشغول کار بود. نگاهش را دزدید. مدت‌ها بود با هم سرسنگین بودند. از ده سال پیش سر عروسی خواهر عماد، تا این روزها که عماد سخت مشغول دوا و درمان دختر کوچکش بود. عماد البته تلاش کرده بود، اما او نمی‌پذیرفت. هنوز کینه عمیق در دلش داشت. نباید بدون خبر محبویه را شوهر می‌دادند. مثلاً او و عماد دوستان صمیمی و نزدیک به هم بودند. همه می‌دانستند و خانواده‌ها هم با وجود اختلافات فکری و عقیده‌ای به این صمیمیت تن داده بودند و ارتباطشان بیشتر شده بود. شاید هم تقصیر خودش بود. باید زودتر از علاقه‌اش به محبویه می‌گفت و پایش می‌گذاشت.

هر روز این ماجرا تکرار می‌شد و این خاطره، با تمام جزئیات از ذهنش می‌گذشت. وقت‌هایی که عماد را می‌دید، بدتر بود. از

صادقانه

رابطه بین خدا و خلق قطع شدنی نیست

امام مهدی (ع) فرمود: هنگامی که پرچمی پنهان شد پرچم دیگری پدیدار گردید، و زمانی که ستاره‌ای غروب کرد ستاره، دیگری طلوع کرد، زمانی که خداوند امام عسکری (ع) را قبض روح کرد. گمان کردید که واسطه و رابطه بین خدا و خلقش قطع شد ولی هرگز رابطه قطع نشد و تاقیامت قطع نخواهد شد و فرمان خدا غالب و پیروز خواهد شد اگر چه آنان دوست نداشته باشند.

کمال الدین و تمام النعمة ۷۸۷ / ۲

غیر رسمی

من از صمیم قلب رهبری را دوست دارم



وقتی انقلاب شد من جوان بودم، ولی یک جوان معمولی نبودم. فعال بودم؛ مثلاً در طرح‌ریزی ماجرای کمیته‌ها به آقای مهدوی‌کنی و دیگر دوستان کمک می‌کردم. از آن زمان ارتباط ما برقرار بود تا اینکه دور رسیدید به سرودسازی. در سرودسازی، آقا خیلی پشتیبان ما بودند. چندین بار آمدند تالار وحدت و ما برای ایشان با ارکستر سمفونیک و گروه کر اجرا می‌کردیم؛ با آقای شمسایی‌رامی فرستادند اداره پیش ما تا تولیدات جدیدمان را بگیرد و ببرد برای ایشان که گوش کنند. همیشه محبت داشتند و از طرف ایشان مؤید شده‌ایم. این نازنین هنردوست است و دوست سی و چهار، پنج ساله بنده است. علاوه بر اینکه ایشان مقام‌شان رهبری است و هدایت - یا هر چه اصلاً ما به اینها کاری نداریم - من قلب این مرد را دوست دارم. خودشان هم می‌دانند، بارها به ایشان گفته‌ام که به عشق شما زنده‌ام و این را از صمیم قلب می‌گویم. پانزده، شانزده سال بود که ایشان را ندیده بودم. بارها شده بود کسی با من تماس گرفته و گفته که آقا گفتند احوال شما را ببرسیم. ارزش این خیلی بالاست. امروز هم خدمت شما عرض کردم اینجا و دیگران شنیدند، گفتم: «آقا نه به عنوان یک دوست سی و چندساله، بلکه به‌عنوان یک مسلمان انقلابی ایرانی - فرق نمی‌کند هر کسی - به خاطر سی و چند سال مشقت‌هایی که شما به خاطر ما تحمل کردید، ما واژه‌اش را بلد نیستیم که چطور از شما عذرخواهی کنیم؛ اما تنها کاری که از دست‌مان بر می‌آید، این است که بگوییم دست‌های‌تان و پاهای‌تان را می‌بوسیم.»

مرحوم اسفندیار قره‌بغاغی
خواننده و آهنگساز پیشکسوت

تلخند

پس از باین، نوبت سواری دادن ترامپ است! / کارتون‌نویست: میکائیل چفتچی / ترکیه



سلامت

توت خشک

محبوبه سادات رضوی

خبرنگار

همانطور که می‌دانید خانواده توت‌ها با تنوع بسیار، فواید چشمگیری برای بدن دارند. یکی از مفیدترین میوه‌ها که استفاده آن بسیار توصیه شده، «توت سفید» است که به صورت خشک یا تازه مصرف می‌شود. توت نوعی داروی ملین است که موجب تصفیه و پاک‌ی خون می‌شود و برای طحال و کبد نیز اهمیت بسیار ویژه‌ای دارد. از آنجایی که توت منبع آهن است، برای درمان کم‌خونی و فقر آهن به شدت توصیه می‌شود. توت خشک به دلیل داشتن کلسیم و فسفر برای لته مفید است و یک انرژی‌زای مناسب برای افراد کهنسال به شمار می‌آید. همچنین موادی که در توت وجود دارد، برای کاهش فشار خون بسیار مفید است و کربوهیدرات و ویتامین سبب افزایش حجم خون در بدن می‌شود و برای بیمارانی که از افزایش فشار خون رنج می‌برند، عالی است. توت خشک همچنین برای سلامت کبد و کلیه مؤثر است و موجب تقویت خون، بهبود ترشح بزاق یا مایعات بدن و خشکی بدن می‌شود. جالب است بدانید این میوه شیرین جایگزین مناسبی برای قند در مورد بیماران دیابتی است و چنانچه جزء آن دسته افرادی هستید که اسید اوره یا اوریک دارید، بهتر است به جای قند از این میوه استفاده کنید.

توت سفید جایگزین مناسبی برای تأمین قند مصرفی بدن بیماران دیابتی هست، اما به شرطی که در مصرف آن تعادل داشته باشید و از زیاده‌روی پرهیز کنید. استفاده از این میوه خوشمزه و مفید برای همه اشخاص مناسب است، با این تفاوت که بیماران دیابتی روزانه فقط ۱ تا ۲ قاشق غذاخوری می‌توانند استفاده کنند و نکته مهمی که توجه به آن خالی از لطف نیست، این است که توت تازه در مقایسه با توت خشک قند کمتری دارد، پس در استفاده از آن بسیار دقت کنید.

حسن ختام

چراغ امید

در هیاهوی روزها و شب‌هایی که گاه غبار غفلت، دل‌های‌مان را می‌پوشاند، نیمه شعبان همچون چراغی در دل تاریکی می‌درخشد؛ یادآور امیدگی که هیچ‌گاه خاموش نمی‌شود. این شب نشانه حضور نادیدنی کسی است که با آمدنش، عدالت را به زمین باز خواهد گرداند و روشنایی را بر جهان خواهد گستراند.

ای مهدی موعود! ما در پیچ و خم‌های زندگی، در روزگاری که ظلم و ستم سایه انداخته، دل‌مان را به وعده خداوند قرص کرده‌ایم؛ به لحظه‌ای که زمین از عدل تو سیراب و عشق، جایگزین کینه‌ها خواهد شد. هر نیمه شعبان که می‌آید، دل‌های‌مان را به بنجره انتظارات گره می‌زنیم و زمزمه می‌کنیم: «اللهم عجل لولیک الفرج.»

انتظار تنها نشستن و دعا کردن نیست؛ انتظار آمده‌شدن است، ساختن است، هم‌رنگ شدن با حقیقتی است که تو مژده‌اش را خواهی آورد. ای کاش، آق‌قدر پاک شویم که در صف یارانت جای بگیریم؛ آق‌قدر عاشق شویم که ندای ظهورت را در اولین لحظات بشنویم. تا آن روز، نیمه‌شعبان را نه فقط جشن، که تجدید عهد بدانیم؛ چرا که ما اهل انتظاریم و منتظران را جز امید و حرکت نشاید.